نظارت و بازرسی

مجموعه بیانات مرجع عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی دام‌ظله

شناسنامه کتاب

نام کتاب: .... نظارت و بازرسی

مؤلف: ....آیه الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی دام ظله

ناشر: .... بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم السلام

چاپ اول: .... ۱۳۹۴ / ۱۴۳۶هـ

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه تعالی

سخن ناشر

نقش و اهمیت کتاب به عنوان ماندگارترین عنصر فرهنگی و اثرگذاری آن در ایجاد و تغییر و تحول فرهنگ و نگرشها و دیدگاه‌های آحاد یک جامعه بر کسی پوشیده نیست، و به جرأت می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین عامل سازنده فرهنگ اجتماعی نام برد، گرچه امروز رسانه‌های دیداری و شنیداری با حجم انبوه اخبار و اطلاعاتی که بر سر مردم آوار می‌کنند مخاطبان بیشتری دارند، اما هرگز چیزی بر قوه تحلیل و تعقل دوستداران خود نمی‌افزایند، و بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران فرهنگ عامه بر این باورند که بینندگان و طرفداران اینگونه رسانه‌ها به تدریج توان به کارگیری قوای عاقله و ناقده خود را از دست داده و پس از مدتی از تحلیل عادی‌ترین اخبار و وقایع در می‌مانند، و در مقابل مطالعه‌کنندگان منابع مکتوب به علت تأثیر خواندن‌های مکرر بر ذهن تبدیل به انسان‌های فهیم و فکور می‌شوند.

بر این اساس مرکز انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت‌علیهم‌السلام در راستای توسعه علمی فرهنگی به نشر آراء و افکار و راهبردهای حضرت آیه الله العظمی هاشمی شاهرودی‌دام‌ظله پرداخته و سعی می کند کتاب ارزشمند

(صحیفه عدالت) که مجموعه سخنرانی‌ها و بیانات معظم‌له در دوره‌ی تصدی ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی بوده و در ده جلد تنظیم و منتشر شده است را به شکل موضوعی و بر حسب مسائل مورد نیاز جامعه تنظیم و جمع‌آوری نموده، و با ذکر منابع و با شیوه‌ی متناسبی منتشر کند تا از طریق نشر اندیشه‌ها و افکار این عالم مجاهد که برخوردار از علم و نگاه عالمانه به مسائل روز با معلومات وسیع فقهی و فرهنگی و تجربه موفق قضائی و مدیریتی می‌باشند، رسالت خویش را در راستای توسعه علم و فرهنگ اسلامی و ترویج معارف حقه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ایفا کرده، و مشمول عنایات و الطاف ویژه حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ارواحنا فداه قرار بگیریم ، إن شاء الله تعالی.

بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام

نظارت و بازرسی

اهمیت مضاعف بازرسی در حکومت اسلامی

بازرسی دستگاه‌های اجرایی، وظیفه‌ای بسیار خطیر و اساسی در همه حکومت‌هاست و مخصوصا در حکومت اسلامی یک وظیفه بسیار مهم محسوب می‌شود. بدون نظارت و مراقبت و بازرسی، قطعا دستگاه‌ها و جامعه به انحراف کشیده می‌شود. در کشورهای پیشرفته امروز برای بازرسی و نظارت تشکیلات و شیوه‌های بسیار گسترده و پیشرفته و پیچیده و دقیق وجود دارد. آنچه در این زمینه در کشور ما وجود دارد نسبت به کشورهای پیشرفته بسیار کمتر و با روش‌های بسیار ابتدایی است. در صورتی که نظام اسلامی نیاز به شیوه‌های بازرسی گسترده‌تر دارد، طبیعت نظام اسلامی است که دغدغه بیشتری نسبت به احقاق حقوق مردم و خدمت‌رسانی به مردم و برقراری عدالت داشته باشد.

ما با تمام تلاش‌های مخلصانه عزیزان، هنوز در بخش نظارت و بازرسی در ابتدای راه هستیم که امیدواریم با همت بلند عزیزان، با همه مشکلات گوناگونی که بر سر این راه قرار دارد، بتوانیم ان‌شاءالله این

رسالت خطیر را به خوبی انجام دهیم و وضع نهاد نظارت و بازرسی را که یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه است به حد مطلوب برسانیم.[1]

تأکید فرهنگ دینی بر تقوا و نظارت درونی

آنچه که از فرهنگ اسلامی در مسئله بازرسی به دست می‌آید و اهمیت بسیاری دارد، نظارت درونی یعنی تقواست. در اسلام برای رسیدن به مقاصد بلند اجتماعی و مدنی تنها به ابزار کنترل بیرونی و قوه قهریه و دستگاه‌های قاهره کفایت نشده بلکه از اینها استفاده شده است؛ ولی اصل قرار نگرفته است. هیچ حکومتی بدون دستگاه قضایی و تشکیلاتی که با مجرم و متخلف برخورد قاهرانه و الزامی کند، نمی‌تواند حکومت کند، اما این اصل قرار نگرفته است؛ بلکه بیش از این بر عامل درونی افراد جامعه که عبارت از تقوا و عدالت تکیه شده است. ما می‌بینیم در فرهنگ اسلامی بهای زیادی به تقوا و عدالت داده شده است، در آیات نورانی قرآن آمده است: ﴿**إِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ الله اَتْقاكُمْ**﴾. اصلاً فرهنگ دینی و تمام ادیان، اصل را بر مسائل معنوی گذشته‌اند که در دایره تقوا و عدالت می‌گنجد، میزان هرگونه ارزشی را تقوا قرار داده‌اند. در نبوت نبی و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و ولایت امر تقوا در حد عصمت شرط است، عصمت در حقیقت مرحله بسیار بالایی از تقوا و عدالت است.

از طرف دیگر در فقه و قوانین و ادبیات اسلامی در مورد همه وظایف به

---

۱ ـ سخنرانی در گردهمایی مدیران بازرسی کل کشور تاریخ ۸۲/۱/۲۸

عدالت و تقوا اشاره شده است. در آیات قرآن، احادیث، خطب نهج‌البلاغه، در ادعیه و زیارت‌ها، در کوچکترین وظایف، تقوا و عدالت شرط شده است و در حاکم و کارگزار حکومت اسلامی، عدالتی در حد بسیار بالا شرط شده است. پیام این است که انسان باید به طرف متقی‌شدن برود، تحول و انقلاب حقیقی این است که انسان‌ها به سمت تقوا، متحول بشوند. متأسفانه در مسئله گزینش فقط مواردی مانند حسن‌سابقه، عدم شهرت به فساد و مسائلی از این قبیل درنظر گرفته می‌شود، ولی اینها خیلی کمتر از چیزی است که در فرهنگ غنی و اصیل اسلامی به‌عنوان شرایط تقوا آمده است. این فرهنگ باید احیا شود و احیاشدنش این است که در تمام قوانین، گزینش‌ها و مسئولیت‌ها، فیلترهای تقوا و عدالت جای گیرد. اینجاست که اگر این عامل دوم که عامل اصلی و قوه قاهره درونی است گسترش بیابد و همگی به آن آراسته باشند بدون کمترین هزینه و امکانات بیشترین بهره و تأثیر را دارد. بسیاری از مساحت زندگی افراد، خارج از دید نگهبانان انتظامی است و تنها عامل درونی است که در تمام شرایط و احوال اجازه نمی‌دهد یک فرد تخلف کند. پس باید در بازرسی‌ها تنها به عامل بیرونی توجه نشود، باید انحای مختلف نظارت‌هایی که در اسلام به آن توصیه شده است بازشناسی شود و قلمرو و هدف هریک مشخص شود، بعد می‌توان در این همایش‌ها با بحث‌های علمی و تحقیقاتی راجع به اینها نظریه‌پردازی کرد.

بعد از طرح نظریه‌های می‌توان براساس آن، روش‌ها را مشخص کرد،

برنامه‌ریزی کرد و ساختار درست کرد. البته در این همایش‌ها، خیلی از روش‌ها و فن‌های روز را هم باید در نظر داشت و آنها را به کار بست، مثل مکانیزه کردن دستگاه بازرسی. خلاصه از همه اینها باید استفاده کرد، البته نظریه‌های جدید، باید منسجم با فرهنگ و هویت جامعه و ملت و اعتقادات مردم باشد که در این صورت می‌تواند بر تمامی نظریه‌های مطرح در سطح دنیا برتری داشته باشد. قطعاً آنچه امروز به‌عنوان پیشرفت در دنیا مطرح می‌شود، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و علوم انسانی و مسائل سیاسی، به تزویر و نفاق و دروغ و خلاف آلوده است، مثل مسائلی که در انتخابات اخیر امریکا رخ داده است. در این بخش‌ها تمدن بشری نه تنها موفق نشده است و پیشرفت حقیقی نکرده، بلکه در حقیقت عقب‌گرد نیز کرده است. در نفاق و تزویر پیشرفت کرده است، عادلانه‌ترین شعارها را به‌طور علنی مطرح می‌کنند، سپس به‌طور مخفیانه برای رسیدن به نقیض آن فعالیت می‌کنند.

اینها با پیشرفت علم و صنعت نباید مقایسه شود و هیچ تناقضی وجود ندارد که انسان در بخش علم و صنعت پیشرفت کند، ولی در بخش مربوط به کرامت‌ها، ارزش‌ها و عدالت پس‌روی کند. بیشتر اوقات هم آن علم و صنعت را به‌عنوان ابزاری برای ظلم بیشتر به کار می‌گیرند.

نظارت همگانی در فقه اسلام

در فقه اسلام، هم یک نظارت عامه‌ای برای مردمان صالح و مؤمن بر کل دستگاه‌ها قرارداده شده و هم نظارت عمومی به‌عنوان مسئولیتی

همگانی «**کلکم راعٍ وکلکم مسئولٌ عن رعیته**». اصل نظارت و بازرسی و شاهد و گواه بودن بر آنچه می‌گذرد و بر روند امور، یک امر بسیار اصیل و ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی ماست و مبنایی اصیل و گسترده و دارای شکل‌های گوناگونی است. از نظر عقلی هم هر خردمندی و هر مدیرمدبری احساس می‌کند در مسائل مهم، نظارت و بازرسی یک اصل بسیار مهم و ضروری است. بنابراین، ما در مورد نظارت، دارای این‌چنین مبانی فقهی و اسلامی هستیم.

نظارت حکومت بر اجزا وعوامل حاکمیت

در مورد نظارت حاکمیت اسلامی، تأکید و تشدید بیشتری شده است و لزوم مراقبت، جایگاه مهم‌تری پیدا می‌کند. در فرمان امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر و دیگر فرامین ایشان، بر لزوم و وجوب نظارت حاکم و والی بر زیرمجموعه خود که همان دستگاه حاکمیت است، تأکید بسیار شده است. چون در اینجا مسئولیت مهم‌تر است، چرا که حیثیت، جان، اموال و امنیت مردم در اختیار این دستگاه است. اینجا حقوق دیگران و جامعه، ارزش‌ها، عدالت اجتماعی، حیثیت و آبرو و ناموس مردم مطرح است، لذا تأکید بیشتری بر نظارت می‌شود. یکی از واجب‌ترین مسئولیت‌های حاکم اسلامی و کارگزاران جامعه، نظارت بر زیرمجموعه است.

می‌بینیم چقدر مولا در آن نامه به مالک و دیگران تاکید می‌کند بر دست‌اندرکاران و مسئولان و متولیانی که برای اداره جامعه نصب

می‌کنند، نظارت داشته باشند. در قانون اساسی هم، نظارت دیده شده است. هم از فقه اسلام گرفته شده است هم از آنچه که در جهان امروز ضرورت شناخته شده است و هر منطق و هر عقلی آن را قبول می‌کند، به‌ویژه در دستگاه‌های مربوط به حاکمیت یک نظام و کشور، نظارت به شکل‌های گوناگونی در قانون اساسی آمده است؛ بخشی از آنکه در اصل ۱۷۴ آمده، نظارت سازمان بازرسی است که جایگاه این نظارت در قوه قضائیه قرارگرفته است. چون اولاً نوع تأثیرگذاری این بازرسی و نظارت در صورتی خواهد بود که بتوان نتیجه این بازرسی و نظارت را مبدل به اجرا کرد. معمولاً نظارت بر دستگاه‌ها منجر به پیدا شدن تخلف و جرمی خواهد شد، از این‌رو جای مناسب آن هم در درون دستگاه قضایی است که بتوان اثرات مطلوب را از این بازرسی انتظار داشت.

به علاوه چون در دستگاه قضایی اسلامی ویژگی‌های خاصی برای این دستگاه و قاضی و بخصوص رأس دستگاه قضایی قرارداده شده است و به‌طورکلی دستگاه قضایی، وجهی از وجوه ولایت امر است، ازاین‌رو در قانون اساسی ما اصل دستگاه قضایی را در اختیار ولی امر قرار داده‌اند و رأس این قوه را او تعیین می‌کند. در حقیقت، قضاوت از شئون حاکمیتی است که نیاز به آن شرایط والا، ویژه و نادر دارد، ازاین‌رو در کنار ولایت قرارگرفته است تا از آسیب‌پذیری و آفت‌هایی که ممکن است دیگر دستگاه‌ها به آن مبتلا شوند مصونیت بیشتری داشته باشد، و چون بازرسی یک امر خلاف اصل است و یک نوع دخالت در امر دیگران و دستگاه‌های

دیگر است، لذا از شئونی است که نیاز به شرایط ویژه قضاوت و قاضی دارد و از این‌رو، در درون این دستگاه قرار داده شده و شرایط قضاوت و قضایی در آن ملحوظ شده است. به این ترتیب سعی شده دیدگاه‌های فقهی مورد نیاز را برای این‌چنین دستگاهی از این راه تأمین کند و لذا اینها در دستگاه قضایی جمع شده است. البته به این معنا نیست که در تشکیلات حکومتی تنها اکتفا به همین سازمان شود، این بخشی از نظارت است که می‌خواهد آثار قضایی را بر نتیجه نظارت‌ها و بازرسی‌ها مترتب کند، ولی هر دستگاهی باید در درون خودش جهت تمشیت و اجرای بهتر سیاست‌ها، امور داخلی و قوانین خود، دارای بازرسی‌های ویژه‌ای باشد. اساساً مدیریت قوی و موفق، مدیریتی است که در کنار اعمال آن بازرسی و نظارت و کنترل کامل نسبت به زیرمجموعه، شکل بگیرد، این برای موفقیت خود آن مدیریت و مدیر بسیار ضروری است. علاوه بر دستگاه‌های اجرایی، دستگاه‌های دیگری که کارهای کلان و سر و کار با مسائل عمده و مختلفی دارند، نیاز به دستگاه‌های بازرسی درونی دارند.

نظارت پیامبر بر امت

در فرهنگ قرآنی، نظارت و شهادت پیامبر ﷺ بر مردم و جامعه اسلامی به‌عنوان یک اصل آمده است:

﴿لِيَكُوْنَ الرَّسُوْلُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النّاسِ﴾.[1]

---

۱ ـ سوره حج، آیه ۷۸.

اینجا شهید به معنای شاهد است، پیامبر اکرم ﷺ شاهد بر امت اسلامی است و امت اسلام هم شاهد بر مردم است. این هم یک مفهوم نظارت، اینجا شاهد بودن به معنای ناظر بودن است، گواه بودن و در واقع معنای قریب به نظارت است.

نظارت انسان بر خود

اصل نظارت و بازرسی به‌عنوان یک مسئله عام در فرهنگ ما مطرح است. سرلوحه نظارت‌ها، نظارت انسان نسبت به خودش است، یکی از مسائلی که در فرهنگ ما بر آن تکیه شده این است که هر انسانی بر اوضاع، احوال، کردار، نیت‌ها و اسرار باطنی و افکار درونی خود مراقبت و نظارت داشته باشد و هر روز خود و کارها و اعمال خود را بازرسی کند. تا جایی‌که بسیاری از بزرگان ما راه تعالی و تکامل انسان‌ها را در مراقبت‌ها دانسته‌اند.

مرحوم ملکی تبریزی عارف مشهور و استاد امام، کتابی دارد به نام المراقبات. مراقبات جمع مراقبت است و مراقبت هم به معنی نظارت و بازرسی است. وی در این کتاب دستورها و شیوه‌های استفاده شده از کلمات معصومین و شرع مقدس را درباره مراقبت انسان بر اعمال، انگیزه‌ها، نیت‌ها، امیال و تمام شئون خودش جمع کرده و مقدمه بسیار خوبی بر این کتاب دارد. بر این اساس، انسان حتی در سلوک فردی و زندگی خصوصی خود نیاز دارد، خودش را بازرسی کند.

هدف غایی از نظارت و بازرسی

در کارآمدی نظارت خیلی مهم است، توجه به مقصد اصلی و هدف غایی از نظارت و بازرسی؛ یعنی سالم‌سازی جامعه است. هدف اصلی تشکیل پرونده و محاکمه نیست. اینجاست که بحث پیشگیری و جمع کردن بسترهای مفاسد، اهمیت خود را نشان می‌دهد. پس نظارت برود دنبال این که چه کار کند که فساد و تخلف و رشوه شکل نگیرد و رفع بشود. ما اگر آن بسترها را علاج نکنیم، با تغییر افراد، وضع اصلاح نمی‌شود، هر مدیری بیاید هر وزیری بیاید باز بالاخره این مسایل شکل می‌گیرد. با پرونده درست کردن و محاکمه و محکوم کردن، سلامت جامعه حاصل نمی‌شود.

هدف نهایی سازمان بازرسی

سازمان بازرسی برای اجرای صحیح تمام قوانین در دستگاه‌های دیگر و جلوگیری از هرگونه تخلف و درست اجرا نشدن قوانین که منجر به بی‌عدالتی، تبعیض و یا مفاسد دیگری می‌شود، باید برخورد قانونی کند. اما درعین حال این فقط یکی از هدف‌های اصلی این سازمان است، اصل و فلسفه تشکیل سازمان بازرسی این نیست که فقط مچ‌گیری کند و ببیند چه کسی خلاف کرده است. این هدف نزدیک سازمان است، وگرنه هدف دورتر و بلندترش عبارت از این است که این سازمان دستگاه‌های اجرایی را اصلاح و سالم کند. در حقیقت با وجود سازمان بازرسی و احساس

دستگاه‌های دیگری که چنین جایی وجود دارد و ناظر و حاضر است، اگر شیوه‌های صحیح نظارتی در آن اجرا شود از عوامل سالم‌سازی است. خیلی از تخلف‌ها و خلاف‌ها در اثر نبودن یک نظارت دقیق، کامل و مدرن شکل می‌گیرد که با وجود این تشکیلات نظارتی گسترده قطعاً خیلی از این اشخاصی که گرفتار خلاف می‌شوند اگر تشکیلات، فرهنگ و سیستم بازرسی موفقی داشتیم، این تخلف انجام نمی‌گرفت. داشتن نظارت صحیح و موفق از عوامل عدالت و سلامت دستگاه‌هاست، از این‌رو وجود این چنین دستگاه‌هایی با سیستم و سیاست‌های موفق موضوعیت دارد. همه کار سازمان بازرسی این نیست که بخواهد مچ دستگاه، یا مدیری را بگیرد، بلکه آنچه مهم‌تر و هدف اصلی است سالم‌سازی، استحکام‌بخشی، قانونمند کردن و احیای فرهنگ تقید و تعبد به قوانین در دستگاه‌هاست، هدف نهایی این است.

با توجه به این هدف نهایی باید سیاست، برنامه‌ریزی، فعالیت‌ها و شیوه‌های بازرسی طوری تنظیم و اجرا شود که در آن راستا قرارگیرد. این سازمان به مرکزی که فقط دنبال مچ‌گیری است مبدل نشود که اگر به آن دید و آن عینک این کار انجام بگیرد نه تنها ما به آن هدف اصلی نرسیده‌ایم، بلکه زیان‌ها و تبعات بسیار بدی در جامعه و دستگاه‌های اجرایی ممکن است ایجاد شود و مدیریت‌ها بی‌انگیزه شوند. هرگونه غفلت یا بی‌دقتی در به کارگیری نیروهای مورد نیاز برای رسیدن به آن هدف، ممکن است منجر به این شود که مدیران خوب کم‌انگیزه شده و دستگاه‌ها

متخلف شوند. شیوه‌های نظارتی و بازرسی اگر طوری باشد که زیرمجموعه را بر مدیران و مسئولان جری کند، این سبب تضعیف مدیریت خواهد شد. اینها مسائل بسیار ظریفی است که در شیوه‌های بازرسی باید مورد توجه قرارگیرد.

در فرهنگ غنی اسلام برای نظارت و بازرسی صحنه پهناوری مشخص شده، به‌طوری‌که از زندگی و حیات شخصی و فردی افراد شروع می‌شود تا مسائل اجتماعی، حکومتی و شکل‌های پیچیده و مختلف زندگی انسان‌ها. این مسئله در آیات و احادیث مختلفی بیان شده است. تمام اینها برای رسیدن به آن نقطه کمال و مطلوب نهایی یعنی رسیدن به جامعه عادلانه اسلامی است. جامعه‌ای صالح که مردم در صلاح، سلامت، خیر، عدالت و بر پایه کرامت و ارزش‌های والای انسانی، در آن زندگی می‌کنند و دستگاه‌ها و حاکمان آن امین و صالح‌اند.

آنچه در این همایش‌ها و بحث‌ها مهم است و باید مورد تحقیق، کارشناسی، بحث، گفت‌وگو و انتقاد قرار بگیرد، آن است که ما چه شیوه‌ها و سیاست‌هایی می‌توانیم تنظیم کنیم که در راستای رسیدن به این اهداف باشد؟ همچنین چه ساختارهایی را به‌کار گیریم که ما را زودتر به این اهداف برساند و از زیان‌ها و آسیب‌ها و ضررهایی که ممکن است در اثر بی‌دقتی در این شیوه‌ها به وجود آید پرهیز شده و به‌سهولت و با هزینه کم به این هدف‌ها برسیم؟ در این زمینه چه نوع قوانین و اختیاراتی لازم است و با چه فرهنگی باید ارائه شود؟ اینها مسائلی است که باید در این

همایش‌ها درنظر گرفته شود و به آن توجه شود. همان‌طور که گفته شد معمولاً در دستگاه‌های بازرسی افرادی که این مسئولیت را پذیرفته‌اند. به‌تدریج از عینک خاصی به مسائل و موضوعات نگاه می‌کنند و همه چیز را به دیده شک و تردید و سوءظن نگاه خواهند کرد. اگر خود این حالت کنترل نشود و دقت نشود و شیوه‌های مناسب آن را مسئولان سازمان بازرسی دقت نکنند، منجر خواهد شد به همان آفت‌هایی که عرض شد و به‌جای اینکه به آن نقطه‌مطلوب برسیم، خود این دستگاه مبدل می‌شود به دستگاهی که ضررش بیش از نفع آن است؛ یا اگر به این مسئله توجه نشود که ممکن است مجریان این سازمان هم مانند دستگاه‌های دیگر تحت‌تأثیر عواملی قرارگیرند که این عوامل موجب فساد، تبعیض و تخلف شود. اینها مثل دیگران بشر هستند و دارای خاصه‌هایی هستند، تحت تأثیر همان عوامل قرار می‌گیرند، زیر فشارها و تطمیع‌ها تاثیرپذیر خواهند بود. قطعاً این یکی از مشکلات اصلی این تشکیلات است.

هدف نظارت و بازرسی سالم سازی دستگاه های اجرایی دیگر است

در ارزیابی عملکرد سازمان بازرسی باید موفقیت آن ها در سالم سازی دستگاه های اجرایی دیگر را مد نظر قرار بدهیم . این سازمان چه قدر توانسته است با مفاسد اداری، اقتصادی، اجرایی مقابله کند و چه قدر توانسته پالایش بدهد؟ دستگاه نظارت و بازرسی که وظیفه اصلی آن

سالم سازی دستگاه های اجرایی دیگر است، حال چقدر در عمل موفق بوده است؟ آیا دستگاه های اجرایی ما از مفاسد پالایش شده است و اگر این سازمان نبود، بدتر از این می شد؟ البته شاید بدتر می شد، امآ احساس می شود که فساد اداری و فساد اقتصادی در دستگاه های اجرایی و اداری کشور ریشه دوانده است. بهترین دلیل عدم پالایش دستگاه های اجرایی و افزایش روز به روز مشکلات و پیچیده تر شدن آن ها همین هشدارها و فریادهای رهبر معظم انقلاب است . چند سال است که ایشان مرتب اشاره می کند به فساد اداری و اقتصادی و ثروت های باد آورده و فسادهای فرهنگی. هر بخش از این مفاسد مربوط به یکی از دستگاه های اجرایی است، در عرصه های اقتصاد و فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و بازرگانی و ... همه این مدیریت ها دولتی است و هدایت آنها به دست دولت است . در هر یک از این بخش ها اگر فسادی باشد سازمان بازرسی وظیفه دارد این فساد را تشخیص دهد، پیگیری کند و در نتیجه در صدد رفع و پالایش آن برآید و این وظیفه اصلی و فلسفه تشکیل این سازمان است . تحقق این هدف می بایست همواره معیار سنجش درعملکرد این سازمان قرار گیرد که ما بدانیم چه قدر به این هدف دست یافتیم؟

من حس می کنم که به این هدف خیلی کم رسیدیم و اصلاً یکی از دردهای بی درمان نظام ما همین است، رشوه ها، فسادهای اداری، اعمال غرض ها همه رو به فزونی است، بخشنامه های دولتی بی رویه و بر حسب اغراض تنظیم شده، رو به ازدیاد است. کم کاری ها، رانت

خواری ها، همه رو به فزونی است. پس معلوم می شود یک مشکل اساسی در ساختار، یا در قوانین، یا در اختیارات این سازمان وجود دارد که با همه تلاش های مخلصانه ای که انجام گرفته نتوانسته است هدف محوری و فلسفه اصلی تشکیل سازمان بازرسی کل کشور را در حد مطلوب تأمین کند لذا موجب شده است دولت برای خود تشکیلات موازی درست کند، یا طرح و برنامه هایی به عنوان مبارزه با فساد ایجاد کند، یا رهبری دستور بدهد فلان کار را بکنید. مجموع این ها کاشف از این است که هنوز نتوانستیم آن دستگاه نظارتی و بازرسی متناسب را که بتواند فساد را یا ریشه کن کند یا مقدار زیادی از آن جلوگیری کنا، ایجاد کنیم.

پس نکته اولی که می خواهیم عرض کنیم این است که ما نباید براساس آمار وارده و مختومه با یک نظر خوشبینانه به کار خود نگاه کنیم و بگوییم عملکرد خوب بوده و از کار خود احساس رضایت کنیم، بلکه باید به مبنا و فلسفه کار خود و به روح قوانین نگاه کنیم و ببینیم این دستگاه چند درصد توانسته به اهداف خود برسد . اگر دیدیم در دستیابی به اهداف اصلی نقص های اساسی هست، باید فکر کنیم که ساختار را اصلاح یا عوض کنیم، قانون را اصلاح کنیم تا به هدف برسیم، موفقیت حقیقی ما در این است که ببینیم اهداف محقق می شود . نمی گویم یک شبه همه چیز حاصل بشود، بعد از بیست سال که یک شبه نیست، خیلی زمان برده است، بالاخره باید ببینیم معضل و اشکال اصلی این دستگاه کجاست و

چگونه می توان آن را تغییر داد تا به نقطه مطلوب برسیم و اثر آن هم مشهود باشد ؟ مثلاً مشاهده شود رشوه ها در ادارات کم شده، مفاسد مالی به تدریج کم شده، مقررات دست و پا گیر کم شده است . در بخش قضاوت نیز جرم کم شده، پرونده ها کم شده، سرعت فصل خصومت بالا رفته، هرکس هر مشکلی دارد ظرف ۲ یا ۳ ماه حل می شود[۱] .

احیای فرهنگ نظارت پذیری[۲]

یکی از مشکلات مهم این است که در جامعه ما فرهنگ نظارت‌پذیری وجود ندارد، می‌بایست به تدریج این فرهنگ را احیا کنیم. احیای این فرهنگ تنها از راه مطرح کردن این شعار یا ایده شکل نمی‌گیرد، نیاز به عمل دارد. خیلی از امور وقتی عمل شود به تدریج جای خود را در جامعه باز می‌کند. دستگاه‌های اجرایی باید به تدریج به نظارت و بازرسی عادت کنند. در کشور، دستگاه‌های نظارتی متعدد و متنوعی وجود دارد، مجلس دستگاه نظارتی دارد، در قوه مجریه نیز دستگاه‌های نظارتی مختلفی هست، سازمان بازرسی کل هم در قوه قضائیه هست، ولی در عین حال احساس می‌شود که فرهنگ نظارت‌پذیری و قبول بازرسی در دستگاه‌های اجرایی ما مستقر نشده است. با اینکه نظارت از اصول اساسی فرهنگ اسلامی و حکومت اسلامی است و در کشورهای پیشرفته و مترقی هم به شکل

---

۱ ـ دیدار با اعضای سازمان بازرسی کل کشور۸۰/۴/۴

۲ ـ سخنرانی در جمع مردم بندرعباس تاریخ ۸۱/۰۱/۲۷

خیلی مدرن، جا افتاده و فرهنگ نظارت هم در دستگاه‌های بازرسی شوند. و هم بازرسی کننده به خوبی پذیرفته شده است. ما بایستی به این سمت و سو برویم و به این نقطه برسیم که دستگاه‌های اجرایی خود تقاضای بازرسی و نظارت بکنند، نه تنها از ورود دستگاه‌های نظارت کننده نارحت نشده و امتناع نورزند و تعلل نکنند، بلکه برعکس خودشان تقاضا کننده نظارت باشند. در سلوک اخلاقی و دینی شرط اول مراقبت و نظارت این است که هر کس خودش را مراقب کند و همه کارهای خود را در شبانه روز بازرسی و محاسبه کند. در فرهنگ اسلامی، انسان نیاز به بازرسی مستمر و مداوم و مراقبت‌های گوناگون بر رفتارهای خود دارد و در هر دوره زمانی مثلاً ۲۴ ساعت یکبار می‌بایست کارهای خود را بازرسی و مرور و محاسبه کند. این فرهنگ باید در تشکیلات و نهادهای حکومتی و سیاسی و اجتماعی هم شکل بگیرد و می‌بایست هر مدیری علاوه بر اینکه خود نظارت و مراقبت دارد، از نظارت‌های بیرونی هم استقبال کند. البته عرض کردم احیای این فرهنگ نیاز به تشکیلات و برنامه ریزی و همکاری و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و نظارتی دارد.

احساس می‌شود مقداری از مشکلاتی که امروز ما در نظام مدیریتی خود داریم به واسطه نبود این فرهنگ است. نظارت، مچ‌گیری نیست، گرچه ممکن است خلافی یا ظلمی با نظارت کشف شود ولی اصل نظارت در حقیقت برای سالم‌سازی و بالا بردن توان دستگاه‌ها و جلوگیری از هدر رفتن نیروها، ارزیابی نیروها، تشویق مدیریت‌های خوب و کارهای خوب

است. نظارت و بازرسی اگر درست انجام شود یک نوع کمک به دستگاه اجرایی است. ما باید ابعاد نظارت را برای دستگاه‌های نظارت شونده و نظارت کننده خوب ترسیم کنیم که با این دید این وظیفه مقدس را انجام دهند. این دید با دید اطلاعاتی و امنیتی و مچ‌گیری خیلی فرق می‌کند. جداً ممکن است خیلی از فسادها که در دستگاه‌های اجرایی وجود دارد براساس سوءنیت نباشد، بلکه به سبب نقص و عدم کارشناسی باشد. با فرهنگ نظارت و ناظران خیلی از این نقصان‌ها رفع می‌شود، خیلی از این بی‌بند و باری‌های اداری که شاید اسم جرم هم نشود بر آنها گذاشت و یک نوع بی‌حالی در کار است، با وجود سیستم نظارتی دقیق که امروزه در دنیا از آن کاملاً استفاده می‌شود، از میان می‌رود و دستگاه اجرایی حالت پویایی بیشتری پیدا می‌کند. خیلی از این پروژه‌های عظیمی که موفق نبوده یا موفقیت کامل نداشته است و تعداد آنها در کشور ما کم نیست، به سبب نبودن فرهنگ نظارت است. ضعف کیفیت کارها نیز از دیگر پیامدهای عدم نظارت است.

شاید علت خیلی از مشکلات اساسی اقتصادی یا اجتماعی که ما داریم و گاه ممکن است به بحران کشیده شود، همین قبیل نقصان‌ها و بی‌دقتی باشد. فرهنگ نظارت و نهادهای نظارتی پیشرفته و دقیق می‌تواند همه این نقایص را رفع کند. بحث پرونده قضایی درست کردن و مجازات کردن نیست، چون ضربه‌ای که این مشکلات می‌زند با پرونده درست کردن رفع نمی‌شود، بر فرض کسی را هم گرفتند و ۵ سال انداختند زندان، ضربه و

زیانی که به جامعه و به ثروت‌های ملی رسید، بدبینی که در مردم ایجاد کرد، با ساختن یک پرونده و محکوم کردن یک دو نفر رفع نمی‌شود. هدف دستگاه‌های نظارتی پیش‌گیری از این قبیل ضررها و زیان‌هایی است که افزایش آنها منجر به بحران می‌شود.

اینها آن اهداف بزرگی است که می‌بایست در فرهنگ نظارت و نهادهای نظارتی دنبال شود. متأسفانه امروز خیلی‌ها این‌گونه فکر می‌کنند که بازرسی یعنی پرونده‌سازی، هدف بازرسی نباید این باشد که برای کسی پرونده درست کند و به دادگاه بفرستد، گر چه ممکن است این هم یکی از راه‌های پیش‌گیری از تحقق خیلی از فسادها باشد، ولی هدف نهایی نیست. هدف نهایی و اصلی این است که دستگاه‌های اجرایی از نقصان‌ها و مشکلاتی که در واقع مشکلات مردم و حکومت و موجب اضرار به ثروت‌های عمومی است، رها شوند. هدف نظارت ارتقای وضع کیفی و کمی عملکرد دستگاه‌ها و پویایی و توان بیشتر بخشیدن به آنها و استفاده از فرصت‌ها با کمترین هزینه است. در حقیقت اصل نظارت و بازرسی و سازمان بازرسی در جهت خدمت به دستگاه‌های بازرسی شونده عمل می‌کند، این همان فرهنگ نظارت است که می‌بایست جا بیفتد. هم مسئولان دستگاه‌های بازرسی شونده می‌بایست این ایده را درک کنند و هم روش نهادهای بازرسی کننده می‌بایست طوری باشد که این ایده را احیا کند.

مستقر کردن فرهنگ نظارت‌پذیری از کارهای بسیار کلان و اساسی

است که ساز و کار و برنامه‌ریزی‌های خاص خودش را می‌خواهد. ما با چه فرمول‌هایی می‌توانیم سازمان بازرسی خود را به این حد مطلوب برسانیم و این فرهنگ را در جامعه احیا کنیم که دستگاه‌های بازرسی شونده به مرحله‌ای از درک بازرسی برسند که نه تنها مانع بازرسی نشوند و احساس ناراحتی نکنند بلکه خودشان درخواست بازرسی کنند؟

از همه مهم‌تر باید فرهنگ نظارت‌پذیری و پاسخگویی نهادهای اجرایی به دستگاه‌های نظارتی در ساختار مدیریت کشور احیا شود. در تمام دنیا این‌چنین است که وقتی دستگاه‌های نظارتی وارد دستگاهی برای نظارت می‌شوند، طبق قانون، آن دستگاهی که نظارت می‌شود، پاسخگو است و ناراحت هم نمی‌شود. بازبینی و نظارت، مچ‌گیری نیست، سالم‌سازی دستگاه‌های اجرایی است.

وقتی یک دستگاه نظارتی قضایی مثلاً می‌خواهد دادگاهی را نظارت کند قاضی دادگاه نباید ناراحت شود، این فرهنگِ نظارت است، کسی که کارش درست است از نظارت ترسی ندارد، نظارت باعث پیشرفت او می‌شود. متأسفانه ما فرهنگ نظارت‌پذیری را نداریم، تا بازرسی کل کشور یا نهاد نظارتی دیگری طبق وظیفه ذاتیش می‌رود بازرسی کند، مسئولان بالا و پایین آن دستگاه علیه دستگاه نظارتی بسیج می‌شوند و این نظارت را نوعی دشمنی و مچ‌گیری می‌پندارند. فرهنگ نظارت‌پذیری در اسلام به گونه‌ای است که اول انسان می‌بایست خودش بر خودش ناظر باشد و هر لحظه بر خودش مراقبت داشته باشد، خداوند نیز ناظر بر همه است. نظارت

جایگاه ویژه و گسترده‌ای در فرهنگ اسلامی دارد که باید آن را در ساختار مدیریت اسلامی خود احیا کنیم. ضعف فرهنگ نظارت‌پذیری، خود یکی از موانع پیش‌گیری از مفاسد است، در هر بازرسی تنش‌ها شروع می‌شود و انرژی‌ها هدر می‌رود و به نتیجه هم نمی‌رسد.

نظارت و بازرسی به عنوان کاری سخت و طاقت فرسا

در امر بازرسی و نظارت باید ابتدا به سیاست‌های نظارتی توجه ویژه داشته باشیم. کار بازرسی و نظارت مانند کار قضاوت و یا شاید در برخی موارد بیشتر و سنگین‌تر از آن باشد. آسیب‌ها و فشارها و تنش‌ها و چالش‌ها، نارضایتی‌هایی را به دنبال دارد، ناظر می‌خواهد کاوش کند و با دقت بازرسی کند و این بازرسی‌ها منشأ آثار اجرایی و قضایی قرار بگیرد. برای هیچ دستگاهی خوشایند نیست که دستگاه دیگری بیاید و بر عملکرد آن نظارت و بازرسی داشته باشد، مخصوصاً در نظامی که هنوز فرهنگ نظارت‌پذیری جا نیفتاده است و بالاخص اگر نگاه به ناظر هم نگاه خاصی باشد. این ها سبب می‌شود که هم کار نظارت بسیار دشوار شود و هم فشار کاری زیادی بر ناظران و بازرسان وارد آید. بازرسی آفت‌های زیادی هم دارد، دستگاه‌های نظارت شونده هم از شیوه مخالفت و امتناع و تنش و امثال آن استفاده می‌کنند هم از روش‌های استمالت و تبانی. این هم آسیب بزرگی است که حساسیت دستگاه بازرسی را دو چندان می‌کند ولذا یکی از سیاست‌های مهمی که جداً می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است

که بدنه بازرسان و سازمان بازرسی شرایط ویژه داشته و علاوه بر کاردانی لازم، از تعهد فوق‌العاده و روحیه توصیه‌ناپذیری و تأثیرناپذیری برخوردار باشند تا بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند. یک بازرس می‌بایست شرایط قاضی را داشته باشد که هیچ ثروت و مقام و توصیه‌ای بر او اثر نکند. معمولاً در دنیا هم رسم است که برای کارهایی که دارای حساسیت و خطورت است تحلیف انجام می‌گیرد، چون زمینه لغزش و انحراف و سقوط در این کارها زیاد است. کسی که می‌خواهد متصدی اینچنین اموری شود می‌بایست در مرحله بالایی از تقوا و پاکی و بی‌هوا بودن و مراقبت نسبت به خود باشد که او را از وسوسه و لغزش حفظ کند. التزام خاصی در سوگند هست که قطعاً مؤثر است. تحلیف بازرسان مسبوق به سابقه نیست و برای اولین بار است در سازمان بازرسی انجام می‌گیرد، ولی اصل آن بسیار صحیح و به جا و لازم است[۱].

لزوم بازنگری در روش‌ها، تکنیک‌ها، قوانین و استفاده از سیستم‌های پیشرفته درنظارت و بازرسی

خیلی از کشورهای دیگر دنیا شاید تعداد تشکیلات نظارتشان بسیار کمتر از ما باشد ـ یک دستگاه یا دو دستگاه نظارتی بیشتر ندارند ـ ولی محصول و نتیجه آنها که سلامت دستگاه‌های اجرایی آنها و کاهش تخلفات و جرایم و ناهنجاری‌های اداری است، خیلی بیشتر از ماست.

---

۱ ـ سخنرانی در نمایشگاه بازرسی تاریخ ۸۱/۰۴/۰۸

جا دارد دستگاه نظارتی ما این مقایسه‌ها را دنبال کنند و ببیند چرا؟ در گزارشی که سال گذشته هیئت قضایی ما از کشور سنگاپور تهیه کردند آمده است که در آن کشور جایزه معین کرده بودند برای کسی که بتواند یک مورد رشوه‌گیری پیدا کند. در طبقه‌بندی سلامت کشورها از مفاسد اقتصادی، این کشور در رتبه دوم در کل جهان قرار گرفت. ببینید چه عواملی در مدیریت این کشور بوده است که به این نتایج رسید؟ حجم کارهای اقتصادی و مبادلاتی و مالی این کشور خیلی بیشتر از کشور ماست، ولی ناهنجاری و مفاسد اقتصادی آن ـ این طور که ادعا شده ـ قریب به صفر است. ما باید با بازنگری در روش‌ها و تکنیک‌ها و قوانین خود و استفاده از سیستم‌های پیشرفته‌ای که امروز در دنیا مورد استفاده قرا می‌گیرد، به این مرزهای مطلوب برسیم[۱].

چالش های فراروی سازمان بازرسی کل کشور

برای رسیدن به نقطه مطلوب اولاً باید نقاط ضعف و کاستی مشخص شود، ثانیا همت و عزم و اراده قوی وجود داشته باشد. در مورد جایگاه و کار این سازمان ـ که عرض کردم، یکی از مهم‌ترین ارکان قوه قضائیه است و در اصلاح و سلامت جامعه نقش بسیار اساسی دارد ـ نکاتی را عرض می‌کنم. در سازمان بازرسی سه محور را باید در نظر داشت[۲]:

---

۱ ـ سخنرانی در سازمان بازرسی کل کشور ۸۴/۶/۲۷

۲ ـ سخنرانی در سازمان بازرسی کل کشور ۷۹/۷/۱۹

محور نخست: سیاست‌های بازرسی.

محور دوم: ساختار سازمان بازرسی.

محور سوم: کادر و نیروی انسانی.

محور نخست سیاست‌های بازرسی

سیاست‌های بازرسی باید طوری باشد که حداقل اهداف ترسیم شده در قانون اساسی را که برگرفته از شریعت اسلامی است، تأمین کند. سیاست‌های بازرسی باید با ملاحظه آن هدف‌ها باشد، یعنی وقتی می‌خواهیم ببینیم سیاست‌هایی که در بازرسی اعمال کرده‌ایم تا چه اندازه موفق بوده یا نبوده، اولین معیار برای سنجش کار نظارت و بازرسی، آن اهداف است. تشکیلات بازرسی و نظارت برای اصلاح دستگاه‌های اجرایی و دفع فساد است، حال آیا واقعا دستگاه‌های اجرایی ما با این سازمان بازرسی اصلاح شده است و فسادهای اجرایی و اداری کمتر شده و هدف‌های بلند اسلام و قانون اساسی محقق شده است؟ این یک معیار و شاخص اصلی برای سنجش موفقیت سازمان است. برای سنجیدن و ارزیابی کار قوه قضائیه و بازرسان آن، مثلاً پنج سال ظرف زمانی درنظر بگیریم، پس از آن بسنجیم که آیا دستگاه‌ها واقعا اصلاح شده‌اند، رشوه و فساد و تبعیض‌ها و مشکلات دیگری که ناشی از فسادهای اداری و اجرایی است، کمتر شده است؟ مدیران سازمان باید همیشه سیاست‌های اصلی بازرسی را درنظر داشته باشند، سیاست‌های جزیی‌تر از قبیل روش‌های بازرسی، قلمروهای

بازرسی، کم و کیف بازرسی بر اساس سیاست‌های کلان بازرسی تعیین خواهد شد.

الف ـ قلمرو بازرسی

باید قلمرو بازرسی را گسترش داد تا بازرسی اثرگذار شود. گاهی در مسئله‌ای خیلی زحمت می‌کشیم و کار می‌کنیم، ولی اثری ندارد. به مسئله‌ای که مؤثر نیست نباید بسیار پرداخته شود، بلکه باید به سراغ نیروگاه‌هایی رفت که تولید فساد می‌کنند و آنها را بازرسی کرد. قلمرو بازرسی را از موارد جزیی و کم اهمیت گسترش دهیم و موارد عمده و کلان را که رهبری به آن اشاره کرده‌اند محور کار بازرسی قرار دهیم.

ب ـ شیوه‌های بازرسی

علاوه بر گسترش قلمرو کار باید در شیوه‌های بازرسی نیز تجدید نظر کرد، شیوه‌های فعلی مؤثر نیست؛ شاید نفع اندکی داشته باشد، اما اغلب نفعی ندارد و در مواردی نیز ضرر دارد. مثلاً این شیوه درستی نیست که برای بازرسی یک دستگاه اجرایی از مدیر آن دستگاه بخواهیم به سازمان بازرسی بیاید و توضیح دهد! یا تابلو بزنیم هر کارمندی و هر کارگری مشکلی دارد یا نسبت به فلان رئیس یا وزیر شکایتی دارد، بیاید مشکل یا شکایت خود را مطرح کند. این روش ممکن است بعضی از مشکلات را کشف کند، ولی ممکن است بسیاری از این موارد، مشکلات اساسی و مهمی نباشد. برخی از آنها ممکن است تنش‌های شخصی میان کارمند و

مدیر باشد. اساسا تضعیف مدیریت دستگاه اجرایی درست نیست و بازرسی نباید سبب تضعیف دستگاه‌های اجرایی شود. باید این شیوه را تغییر داد و اگر گزارشی و شکایتی از کسی گرفته می‌شود باید خیلی محرمانه و مخفیانه باشد، نه اینکه افراد را جسور و جری کند و بعد مشکلات و هزینه‌های بیشتری هم برای آن دستگاه داشته باشد؛ در حالی که منشأ گزارش یا شکایت، دعوای شخصی کارمند با مدیر باشد. شیوه‌های بازرسی باید ضرری به مدیریت دستگاه اجرایی نزنند، احترام دستگاه را از بین نبرد؛ چون این کار زیان‌ها و پیامدهای بدی از نظر مدیریت دارد. به‌طور کلی، شیوه بازرسی باید دقیق، محترمانه و محرمانه باشد و هزینه‌های اداری و اجتماعی نداشته باشد.

مفاسدی از قبیل تبعیض و رشوه‌خواری و اختلاس دامن‌گیر سازمان‌های اجرایی است و همه مردم از آن شکایت دارند، رهبری هم واقعا از این مسئله ناراحت‌اند. وظیفه ماست که برای اصلاح این وضع با اتخاذ روش‌های مناسب و شناسایی منابع اصلی فساد، اقدام کنیم. برای این‌کار، نیازی به تابلو زدن و اعلام کردن ندارد، شاید عکس آن لازم باشد، یعنی بازرسی ناگهانی و بدون اعلام قبلی و به صورت نامریی باشد، تا متخلف هشیار نشود. بازرسان باید از راز و رمز مفاسد مورد مأموریت خود آگاه باشند و در سازمان بازرسی حوزه‌های تخصصی متناسب با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی تشکیل شود.

محور دوم ساختار سازمان بازرسی

مسئولیت اصلی سازمان بازرسی آن است که نظارت مستمر بر مجموعه وزارتخانه‌ها و نهادهای اجرایی داشته باشد. ساختار و تشکیلات سازمان بازرسی باید به‌گونه‌ای باشد که در برابر هر یک از بخش‌های اجرایی کشور، یک واحد نظارتی داشته و فعالیت دستگاه‌های اجرایی را به شکل مستمر زیر نظر داشته باشد، نه اینکه در آخر امر و پس از آنکه کار تمام شد، سازمان بازرسی برود و پرونده‌های چهار، پنج ساله را بررسی کند. در این‌گونه بررسی‌ها چون مربوط به زمان گذشته است بایستی به گزارش‌ها و پرونده‌هایی که در همان دستگاه وجود دارد، اعتماد شود، که در واقع ارزشی ندارد، این بازرسی به‌جایی نمی‌رسد. بازرسی باید در ابتدای کار هر نهاد اجرایی حضور داشته باشد و جریان امور را زیر نظر قرار دهد، نه آخر کار بیاید و بازرسی کند. ساختار سازمان بازرسی و قوانین آن باید چنان باشد که بر روند کارهای اجرایی نه فقط بر نتیجه کارها نظارت داشته باشد، اگر در دستگاهی، مثلاً قرارداد اولیه‌ای بر خلاف مقررات منعقد شده باشد، قرار داد را لغو کند و از اول مانع از انعقاد آن شود. بازرس سازمان باید از ابتدا حضور داشته باشد و در امور حوزه مأموریت خود متخصص هم باشد و مراحل کار را زیر نظر گرفته و همه اسناد لازم را در اختیار داشته باشد. این یک بازرسی درست و دقیق و واقع‌بینانه است که با اشراف بر مسائل و مراحل روند کار صورت گرفته‌است.

محور سوم نیروی انسانی متخصص

بازرسی دقیق و فنی در بسیاری از مسائل احتیاج به مراکز اطلاع رسانی پنهان و بانک اطلاعات فراگیر دارد. ما نمی‌توانیم بر اطلاعاتی که خود دستگاه اجرایی مورد نظارت به ما می‌دهد، تکیه کنیم؛ زیرا طبیعی است که این دستگاه اطلاعات مورد نظر خود را می‌دهد، در حالی‌که شما اطلاعات کامل مورد نیاز خود را می‌خواهید و برای گردآوری این اطلاعات به نیروهای آشکار و پنهان نیاز دارید و این افراد باید در امور مربوط به حوزه مأموریت خود متخصص باشند. اگر ساختار و تشکیلات سازمان بازرسی متناسب با هدف‌های پیش‌بینی شده، درست تنظیم شود و برای حوزه‌های تخصصی بازرسی که در این سازمان تشکیل می‌شود؛ نیروی متخصص کافی در اختیار داشته باشد، آن وقت ریشه‌های مفاسد و تبعیض‌ها و رشوه‌گیری‌ها و مسائل دیگری که واقعا از مشکلات نظام ما و هر نظام دیگر است به‌سهولت شناسایی شده و این سازمان خیلی سریع به هدف‌های مطلوبش خواهد رسید.

آسیب‌شناسی بازرسی

در بخش ستادی سازمان بازرسی می‌بایست یک مجموعه بسیار قوی تشکیل شود و سیاست‌های بازرسی را تدوین کنند تا نظارت و بازرسی را که یکی از ارکان و واجبات قانون اساسی و از تکالیف شرعی ماست درست انجام داده و در آن کوتاهی نکرده باشیم و سرچشمه‌های افساد و تخلفات و

جرایم را در دستگاه‌های دولتی بخشکانیم. در تدوین سیاست‌های بازرسی باید آسیب‌ها یک به یک بررسی شده و راه‌های جلوگیری از آنها شناسایی شود تا هم بازرسی را به نحو اتم و احسن انجام داد و هم در این آسیب‌ها و هزینه‌های سنگین اجتماعی آن نیفتاد. منشاء بسیاری از این آسیب‌ها، امور شکلی است و نه محتوایی، این شکل‌ها قابل تغییر است.

زیان بازرسی‌های تخریبی

یکی از نکات بسیار حساس در امر بازرسی که باید به آن توجه شود این است که همان گونه که اگر بازرسی نباشد و یا ابتدایی و غیرفعال باشد، بسترهای فساد در ادارات گسترش خواهد یافت و مردم و نظام زیان خواهند دید، اگر روش بازرسی نیز به گونه‌ای باشد که موجب فلج شدن دستگاه‌های اجرایی و از بین رفتن انگیزه فعالیت آنها شود یا بهانه‌هایی برای توجیه ضعف و کم کاری به دست مدیران اجرایی بدهد، باز خسارت‌بار خواهد بود. بازرسی به شیوه تخریبی و نادرست هم ضربه مهمی به دستگاه‌های اجرایی کشور وارد می‌سازد و هم دستاویز خوبی برای تضعیف سازمان بازرسی به دست مدیرانی می‌دهد که در باطن دنبال فساد و تخلف هستند.

بنابراین لازم است در عین اعتقاد راسخ به ضرورت بازرسی و استفاده از بهترین و دقیق‌ترین روش‌ها در بازرسی، به آسیب‌های بازرسی هم توجه داشته باشیم. بازرسی به گونه‌ای نباشد که دستگاه‌ها را فلج کند، برای دفع

یک فساد کوچک از یک دستگاه اجرایی، آن دستگاه را به وضع افسد برساند، یکی از مصادیق فاسد و افسد همین جاست. مثلاً برای جلوگیری از یک اختلاس یا تبانی در معامله‌ای، نباید سازمان بازرسی معامله را چندان معطل نگه دارد که زیان حاصل از توقف معامله به بیت‌المال بسیار بیشتر از اصل اختلاس مورد ادعا باشد. با هر منطقی، قطعا این کار، کار صحیحی نیست که برای اثبات یک تخلف یا جرم کوچک، ضربه بالاتری به بیت‌المال وارد شود. در بسیاری از موارد، شاید بازرسی نادرست، زیان مالی نداشته باشد ولی مدیریت دستگاه اجرایی را چنان ناتوان و بی‌انگیزه کند که دیگر آن دستگاه نتواند فعالانه به کار خود ادامه دهد، نیروهای انسانی خوب و کارآمد را پراکنده کند، از ابتکارات و ابداعات مدیران جلوگیری کند، چون ابداع و ابتکار در بعضی جاها توأم با خطاست. اگر دستگاه نظارتی قوه قضائیه دست روی این موارد بگذارد و خطاها را بزرگ‌نمایی کند، انگیزه ابداع و ابتکار را از بین خواهد برد. برخی از این موارد واقعی است، ولی بسیاری از آنها ممکن است واقعی نبوده و فقط دستاویزی باشد برای اینکه نگذارند دستگاه بازرسی و نظارت کار خود را درست انجام دهد. این موارد را نه تنها در مطبوعات و رسانه‌ها مطرح کرده‌اند، بلکه در جلسات عالی ستاد مبارزه با مفاسد، حتی خدمت رهبری آن هم از طرف مسئولان عالی کشور به عنوان اعتراض و اشکال بر دستگاه قضایی و سازمان بازرسی کل کشور مطرح شده است. جناب آقای رئیسی بارها زیر فشار این اتهامات و بهانه‌ها قرار گرفته‌اند و با اخلاص و ایمانی که دارند مقاومت کردند و موفق هم شده‌اند که آنچه را حق است بیان کنند. این هم یک نوع

جهاد است که ایشان و دیگر عزیزان در دستگاه قضایی انجام می‌دهند و اتهام‌ها و فشارها را برای رضای خدا و خدمت به این نظام مقدس به دوش می‌کشند.

بازرسی، کار بسیار ظریفی است که می‌بایست خوب و دقیق و با روش‌های علمی انجام گیرد تا این آسیب‌ها چه واقعی و چه ادعایی به حداقل برسد. اینکه متوقع باشیم اصلاً اعتراضی متوجه سازمان بازرسی نباشد، خیال خامی است، چون بالاخره همواره واکنشی از سوی دستگاه‌های بازرسی شونده نسبت به دستگاه‌های ناظر و بازرس وجود دارد، ولی باید به حداقل برسد. در جاهایی که زمینه آسیب‌های بازرسی وجود دارد، باید از آسیب‌ها پرهیز کرد تا امکان بهانه‌جویی از طرف مقابل سلب شود و بازرسی به گونه‌ای انجام گیرد که هیچ ضربه‌ای به فعالیت‌های دستگاه بازرسی شونده وارد نیاید. این نحوه بازرسی، ظرافت‌ها و سیاست‌ها و دقت‌های خاصی را می‌طلبد. این نکته باید مورد توجه مدیران دستگاه‌های بازرسی و نظارتی و همچنین قضایی قرار گیرد. رسیدگی‌های قضایی نیز همین گونه است و قاضی محکمه مبارزه با مفاسد اقتصادی هم می‌بایست با همین دید به این مسایل نگاه کند. طبیعت این امور اقتضا دارد که جوانب مختلف موضوع مراعات شود تا هم بتوانیم به اهداف بسیار اساسی و ضروری و خطیر بازرسی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و عملکرد دستگاه‌های دولتی که ثروت‌ها و منابع مالی امت را در اختیار دارند، برسیم و هم از آسیب‌های فراوان

و گوناگون برکنار بمانیم یا آنها را به حداقل برسانیم. بهانه جویی‌ها و اشکال تراشی‌های دستگاه‌های اجرایی یکی از مشکلات اصلی سازمان بازرسی و کل دستگاه قضایی است. امروز یکی از مسایلی که از طرف دستگاه‌های دیگر برای مقاومت در برابر اصل نظارت دستگاه قضایی عموما و سازمان بازرسی خصوصاً، به جد دنبال می‌شود، این است که با طرح آسیب‌های ناشی از بازرسی، جلوی اصل نظارت و بازرسی گرفته شود. اگر در این قسمت کوتاهی کنید و این راهکارهایی را که اشاره کردم به کار نبرید، با همه تلاش‌هایی که انجام می‌دهید، این آسیب‌ها طوری در جلسات عالی ستاد مبارزه با مفاسد طرح خواهد شد و موارد و مصادیقی برای آنها آورده می‌شود که یا اصل نظارت را به تدریج از بین می‌برند یا آن را بسیار تضعیف می‌کنند.

هدف از بازرسی‌ها، جلوگیری از ضرر و زیان

نهادهای نظارتی باید خود را به سیستم‌های نوین بازرسی مجهز کنند تا کمترین هزینه را برای کشور در برداشته باشد. کارهای انجام شده در حوزه نظارت و بازرسی را خوب ارزیابی می کنم و آن را جزء وظیفه ذاتی سازمان بازرسی می دانم.

دقت نظرها و نظارت‌ها لازم است و با توجه به وظایف ذاتی سازمان بازرسی کل کشور، بهره‌گیری از سیستم‌های نوین بازرسی را که امروزه در دنیا معمول است ضروری می باشد.

هدف از بازرسی‌ها، جلوگیری از ضرر و زیان به دولت، نهادهای دولتی و عمومی و حتی بخش خصوصی است و از امروز سایر نهادهای نظارتی هم باید خود را به سیستم‌های نوین بازرسی مجهز کنند تا کمترین هزینه را برای کشور در برداشته باشد.

اگر چه رسیدگی به تخلفات دستگاه‌ها وظیفه مهم سازمان بازرسی است اما عدم توجه ادارات و سازمان‌ها به وظایف خود و فرصت سوزی هایی که در کشور انجام می‌شود باید مد نظر این سازمان قرار گیرد. ضررهای ناشی از فرصت سوزی ها در کشور بسیار کلان و غیر قابل جبران است، توجه به این مسائل موجب جلوگیری از ایجاد وقوع جرم در دستگاه‌ها خواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران کشوری با ذخایر خدادادی فراوان است که باید با مدیریت صحیح، زمینه بهره مندی از آنان فراهم شود بنابراین استفاده کردن از همین امکانات بالقوه و بالفعل هم باید مورد توجه سازمان بازرسی قرار گیرد. توجه به این مسائل موجب جلب توجه مدیران و نشان دادن راه درست به آنان می باشد که منافع زیادی برای کشور و ملت خواهد داشت.

هدف بازرسی مچ گیری نیست

واقعاً هدف مچ‌گیری نیست، هدف اصلاح تشکیلات اداری و فسادزدایی است. یکی از راه‌های بسیار خوب فسادزایی، مشارکت دادن خود مدیران اجرایی در امر نظارت و بازرسی است و منافاتی هم با کارهای نظارتی ویژه

شما ندارد. ضمناً مدیر هم احساس اعتماد می‌کند و احتمال اینکه خودش مانع شود و خیلی از فرصت‌های بازرسی را از بین ببرد، کم می‌شود[1].

بازرسی بدون جنجال و تبلیغات

یکی از آسیب‌ها، جنجال و تبلیغات در امر بازرسی است که اولاً آسیب‌های اجتماعی فراوانی به بار می‌آورد و هنوز هیچ چیز ثابت نشده، مردم را نسبت به آن دستگاه بدبین می‌کند، ثانیاً آبروی مدیران دستگاه مورد بازرسی از بین می‌رود، ثالثاً، ضربه بدتر و بالاتر اینکه وقتی آبروی یک دستگاه ریخته شد دیگر جبران آن ممکن نیست. رابعاً، از همه مهم‌تر اینکه شایع شدن فساد مالی یک دستگاه در جامعه موجب می‌شود مردم آن را به دستگاه‌های دیگر نیز تعمیم دهند و بگویند کل دستگاه‌ها همین گونه است و به تدریج مردم را به کل نظام بدبین کند یا دست کم شایبه ناکارآمدی و فساد اقتصادی نظام را در ذهنیت‌ها ایجاد کند. حتی شک و تردید مردم هم در کارآمدی و سلامت نظام مضر است، چون نظام اسلامی، می‌بایست همواره ایمان و اعتقاد راسخ مردم را پشت سرِ خود داشته باشد و امتیاز نظام اسلامی و نقطه اتکای آن همین است.

پس بازرسی باید بدون هیاهو و تبلیغ باشد، مگر در مواردی که تخلف ثابت شده باشد آن هم نه همه جا. باید این را بدانیم اگر سلب اطمینان از جامعه شود، خود دستگاه قضایی هم زیر سئوال می‌رود.

---

۱ ـ دیدار با رئیس و معاونین سازمان بازرسی کل کشور ؛ ۸۱/۹/۱۹

دستگاه های نظارتی نباید به یک سازمان گزارش گر تبدیل شوند

یکی از نقص های سازمان بازرسی این است که این دستگاه به یک سازمان گزارش گر تبدیل شده است . می رود بازرسی می کند و گزارش تهیه می کند و یک نسخه آن را به رئیس جمهور و یک نسخه به رئیس قوه و اگر پرونده ای تنظیم شده به دادگستری می دهد که غالباً هم دادگستری تبرئه می کند یا بعضاً محکوم می کند .

بدین ترتیب سازمان بازرسی در دستگاه های اجرایی ما مانند یک اداره گزارش گر تلقی می شود و این غلط است . جایگاه سازمان بازرسی در قانون اساسی به گونه ای است که باید دستگاه های اجرایی از آن بترسند، یعنی قدرت و ضمانت اجرایی آن به قدری نافذ و قوی و قاطع باشد که دستگاه های دیگر را از تخلف بترساند و واقعاً از این دستگاه حساب ببرند . این، شاکل دیگری را در این دستگاه می طلبد، باید شبیه دادستانی برای دستگاه های اجرایی باشد یعنی باید در ساختار و اختیارات و ابزار کار و نوع نیروی سازمان بازرسی، ساز و کاری را تعبیه کنیم ـ آن چنان که در دنیا وجود دارد ـ که دستگاه های اجرایی از این که بخواهند مورد بازرسی قرار گیرند، خوف داشته باشند . در کشورهای پیشرفته، سازمان بازرسی به هر دستگاهی نگاه کند، آن دستگاه وحشت می کند، چون هم ضمانت اجرایی قوی و هم ابزارکشف محکمی دارد. بدین ترتیب سازمان بازرسی یک دستگاه مؤثر می شود و می تواند جلوی فساد را بگیرد . ما باید به طرف

چنین سازمان بازرسی برویم که دارای این چنین ساز و کار و تشکیلات و اقتداری باشد، آن وقت است که سازمان بازرسی جدأ می تواند، نقش فعال خودش را اعمال کند.

یکی از مشکلات فعلی سازمان بازرسی همین است که این سازمان زحمت خود را می کشد ولی دستگاه اجرایی اصلاً عمل نمی کند، به تدریج همه دستگاه های اجرایی می فهمند سازمان بازرسی ضمانت اجرایی محکمی ندارد و اقدام در حد تهیه یک گزارشی است پس چرا از آن بترسند فقدان ضمانت اجرایی در خود سازمان بازرسی نیز ضعف ایجاد می کند، وقتی بازرس می بیند که زحمت او اثر نکرده، به تدریج بی انگیزه می نمود و حتی ممکن است فرسوده شود.

سازمان بازرسی کل کشور در هر دولتی، در دنیا یکی از اهرم های فعال، قوی، مقتدر می باشد که دستگاه های اجرایی واقعاً از آن حساب می برند . درکشوری مثل چین، اشخاص مختلف در پی گزارش سازمان بازرسی اعدام می شوند . بازرسی باید مقتدرانه و مؤثر و مفید در سالم سازی جامعه و دستگاه های اجرایی باشد . در صورتی که دستگاه بازرسی، یک سازمان گزارشگری نیست که گزارشی تنظیم می کند هر که عمل کرد، کرد و هر که عمل نکرد هم نکرد، این ها نکات اصلی است که اگر سازمان بازرسی ما می خواهد جایگاه خود را که در قانون اساسی اصل است به دست آورد و نتیجه عملکرد آن را در جامعه لمس کنیم و ببینیم که واقعا فساد کم شده و دستگاه های اجرایی واقعاً به طرف صلاح و

اصلاح رفته اند، باید کمیته هایی تشکیل دهید و این نکات را بررسی کنید و راهکارهای آن را ارائه دهید . امکانات و بودجه قطعا نیز از عوامل اقتدار این سازمان است که باید فراهم شود .

چشم اندازهای مورد نظر ما در خصوص بازرسی و نظارت

انسان نسبت به آینده می‌بایست قناعت نداشته و مسائل بیشتری را توقع داشته باشد. من چند نکته را عرض کنم ان‌شاءالله مورد استفاده دستگاه قضایی و سازمان بازرسی و هم مورد استفاده دستگاه‌های بازرسی شونده قرار گیرد. می‌بایست چند سیاست مهم را دنبال کنیم و سعی کنیم این سیاست‌ها عملی شود. این سیاست‌های کلان را باید با تأکید و تکرار مطرح کرد تا ساز و کارهای اجرای آنها فراهم آمده و موانع اجرای آنها رفع شود:

تعامل خاص و ویژه با رأس دستگاه های اجرایی

علاوه بر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و استفاده از تجارب و تکنیک‌های جدید بازرسی، یکی از اموری که لازم است به آن توجه شود این است که سازمان بازرسی در بازرسی دستگاه‌های اجرایی، تعامل خاص و ویژه‌ای با رأس آن دستگاه داشته باشد. به این معنا که وقتی بازرسان می‌روند و بازرسی می‌کنند نتیجه بازرسی با مدیران ارشد دستگاه بازرسی شونده در میان گذاشته شود تا او احساس کند که بازرسان نیامده‌اند مچ

او را بگیرند. بازرسان اسناد و مدارک بازرسی را به مسئول آن دستگاه نشان دهند و نظر خود او را بخواهند، شاید او هم سندی در اختیار داشته باشد که نتیجه بازرسی را عوض کند. قبل از اتخاذ تصمیم قانونی نسبت به نتیجه بازرسی به مدیران ارشد آن دستگاه حق دفاع داده شود. اگر نظام بازرسی طوری باشد که مسئول دستگاه بازرسی شونده هم خود را شریک در این بازرسی بداند بسیار مؤثر است. این نیاز به فرمول دارد، آقایان ببینند می‌شود برای این کار به فرمولی دست یافت که تعارضی با قوانین نداشته باشد و مسئولان ارشد دستگاه بازرسی شونده حس کنند خودشان هم در بازرسی مسئولیت دارند. اگر مسئول ارشد اجرایی احساس کند که سازمان بازرسی می‌خواهد برای اشراف بیشتر او بر زیرمجموعه‌اش به او کمک کند و نواقص زیرمجموعه را به او نشان دهد تا بهتر بتواند مدیریت کند، قطعاً نوع رفتار و نگاه او نسبت به بازرسی و بازرسان متحول می‌شود. محصول نهایی این شیوه بازرسی به نظر من پربارتر و بی‌تنش‌تر و مؤثرتر در اصلاح و سالم‌سازی دستگاه اجرایی خواهد بود. همه مسئولان دستگاه‌های اجرایی که خلافکار نیستند، اکثریت آنان انسان‌های متهد و باسابقه و مخلص و دنبال خدمت هستند، اغلب تخلف‌ها و فسادها از عوامل دیگری نشأت می‌گیرد و خود مسئول دستگاه می‌خواهد با آنها مقابله کند و راه آن عوامل و منافذ را ببندد. با مشارکت دادن او در بازرسی، سازمان بازرسی با هزینه کمتر و با وفاق و همدلی بیشتر، به اهداف کلان خود می‌رسد. حالا ممکن است در مواردی شکایت بعضی از مدیران جزئی و زیرمجموعه‌ها هم

نادیده گرفته شود، این در مقابل آن اهداف و فواید مهم این سبک و شیوه بازرسی، می‌ارزد. اگر نسبت به خود مسئول کل هم تردید و اتهامی باشد می‌توان با ابزارهای مناسب به آن رسیدگی کرد. عمدتاً تخلفات در لایه‌های میانی دستگاه‌های اجرایی است نه رأس دستگاه.

مسئله دیگر اینکه سازمان بازرسی می‌بایست به دنبال بازرسی‌های اصلی و کلان برود. احساس می‌شود که مقدار زیادی از نیرو و هزینه و امکانات و فرصت‌های بازرسی و نظارت در مسائلی مصرف می‌شود که ممکن است خلاف باشد ولی جزئی است. یکی دو سال پیش مسئولان بازرسی در مشهد گزارش دادند مسئول مخابرات بدون مراعات ضوابط، خط تلفن به کسی داده است و با او برخورد شده است. ارزیابی یک مدیر مخابرات به این نیست که خط تلفنی خارج از ضوابط به کسی داده یا نداده باشد، این را نباید علم کرد، اصلاً نباید به آن توجه کرد. وقتی بازرسی می‌خواهد مدیر مخابرات یک استان را ارزیابی کند، باید کارهای کلان این مدیریت را ملاک قرار دهد. در ارزیابی‌ها به مسائل مهم و اساسی توجه شود و همه نقاط ضعف و قوت می‌بایست در نظر گرفته شود. این مطلبی است که رهبری هم نسبت به دستگاه قضایی در سخنرانی اخیرشان فرمودند به مسائل کلان توجه شود، ضعف‌ها و بحران‌ها مربوط به مسائل کلان است. در بسیاری موارد به فسادهای کلان و ناکارآمدی‌های اصلی دستگاه‌ها توجه نشده و هزینه نظارتی و بازرسی صرف تخلفات جزئی شده است.

لزوم طبقه‌بندی مفاسد

احساس می‌شود که سیستم نظارتی ما در حد مطلوب موفق نیست، همه می‌دانند که تخلف و خلاف و فساد هست، ولی بازرسی و رسیدگی به گونه‌ای نیست که بازدارنده باشد. البته داریم به آن سو می‌رویم که دستگاه‌های اجرایی، قدرت بازدارندگی بازرسی از فساد را احساس می‌کنند. همین احساس، خود موجب اصلاح شده و به تدریج فرهنگ نظارت و بازرسی را احیا می‌کند.

دستگاه‌های بازرسی باید مفاسد را طبقه‌بندی کنند و گلوگاه‌های حساس فسادهای مالی و اداری را تشخیص دهند. این کار آسانی نیست، باید از شیوه‌های پیشرفته نظارتی استفاده شود، آن بخش‌هایی از دستگاه‌های اجرایی که در دید نیستند و در سایه قرار دارند خیلی آسیب‌پذیری و فسادپذیری بیشتری دارند، برای کنترل و نظارت و بازرسی آن بخش‌ها از شیوه‌های مناسب استفاده شود. زود آخرین سلاح و ابزار خود را که تشکیل پرونده قضایی باشد در بازرسی رو نکنیم، آن را برای آخر کار بگذاریم. شاید شیوه‌ها و سیاست‌هایی باشد که با آنها بهتر بتوان جلوی مفاسد را گرفت، بدون اینکه پرونده قضایی ساخته شود. البته شناسایی و تدوین این شیوه‌ها و سیاست‌ها نیازی به برنامه‌ریزی و بالتبع نیاز به امکانات دارد. کل دستگاه قضایی و سازمان‌های وابسته از جمله سازمان بازرسی، از نظر امکانات بسیار مظلومند و با این خدمات مهم و حساسی که دستگاه قضایی و سازمان‌های وابسته به نظام و مردم و دولت و نهادهای دیگر می‌کند، امکانات و بودجه آن در مواردی حتی از حد لازم هم کمتر است.

نظارت کارآمد یا کارآمدسازی نظارت

یکی از ابزارها و ساز و کارهای دست یابی به نظارت کارآمد، تشکیل همایش‌های علمی و بحث‌های تخصصی و کارشناسی با استفاده از اصحاب نظر و اساتیدی است که در این عرصه کار علمی کرده‌اند. غنای علمی همایش‌ها باید با شناسایی الگوها و روش‌های نظارتی که در جهان امروز مورد عمل و استفاده قرار می‌گیرد و با هماهنگی و همفکری و استفاده از نیروهای خبره اجرایی در دستگاه‌های گوناگون نظارتی کشور که واقف به مشکلات اجرایی هستند، تکمیل شود.

محصول این همایش، باید محصول جامع و کاملی از بعد نظری و عملی باشد. بسیار مناسب است که دبیرخانه‌ای برای پی‌گیری دست آوردهای همایش و راهکارهای تعامل با دستگاه‌های دیگر در سازمان بازرسی تشکیل شود و از دستگاه‌های نظارتی دیگر از قبیل سازمان حسابرسی و دیوان محاسبات کشور در آن تشکیلات عضویت داشته باشند.

نظریات و راهکارهای نظارتی در این دبیرخانه بررسی و پخته شود و در اختیار همه دستگاه‌های نظارتی و مسئولان عالی نظام و مقام معظم رهبری قرار گیرد. با این کار هم نظریات مطرح شده عملیاتی‌تر خواهد شد و هم در دستگاه‌های دیگر پذیرش بیشتری خواهند داشت.

محورهای کارآمد کردن نظارت

در کارآمد کردن نظارت، محورهای مختلفی را باید مورد توجه قرار داد و دنبال کرد که من به صورت کلی به آنها اشاره می‌کنم:

۱ ـ تبیین هدف و تعیین قلمرو نهادهای متعدد نظارتی:

یکی از محورهای اساسی که لازم است در کارآمدی نظارت مورد توجه قرار گیرد، تبیین هدف و فلسفه نظارت و تعیین قلمرو نهادهای متعدد نظارتی است. هم هدف‌های کلی و کلان و هم هدف‌های خاص مربوط به هر یک از دستگاه‌های نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور طبق آنچه که در قانون اساسی تبیین شده و وظیفه هر کدام از آنها تعیین شود. اگر هدف‌های دور و نزدیک و بلند مدت و کوتاه مدت مشخص نشود، ممکن است خیلی از تلاش‌های نظارتی و فعالیت‌ها و عملیاتی که انجام می‌گیرد، انحرافی باشد و به آن هدف‌ها نرسد و بلکه خلاف آن‌ها نتیجه دهد. هم چنین اگر این هدف‌ها به درستی مشخص نشود و محدوده و ظرفیت‌های هر دستگاه نظارتی از محدوده و ظرفیت دستگاه نظارتی دیگر متمایز نشود، منجر به اختلاف و تداخل‌ها و دوباره‌کاری و هرز رفتن تلاش‌ها می‌شود. ما نهادهای نظارتی متعددی داریم، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان حسابرسی، کمیسیون‌های ویژه تحقیق و تفحص، کمیسیون اصل ۹۰، همگی و هر یک به شکلی وظیفه نظارتی بر عهده دارند. باید قلمرو هر یک از این نهادها مشخص شود تا با هم تداخل نکنند و کارها تکرار نشود و تعارض میان آنها به وجود

نیاید. قلمروها و ظرفیت‌ها و اهداف هر یک از این دستگاه‌های نظارتی را باید بر اساس مفهوم نام و عنوان آنها و آنچه که در قانون اساسی و قوانین عادی مربوط به آنها آمده است، متمایز و مشخص کرد. این محور، محور مهمی است و در کارآمد کردن نظارت بسیار مؤثر است.

۲ ـ احیای فرهنگ نظارت‌پذیری:

محور دیگر، فرهنگ نظارت است. ما به احیای فرهنگ نظارت‌پذیری در جامعه نیاز داریم، اگر این فرهنگ در جامعه احیا نشود و در دستگاه‌ها و کارگزاران نظام پذیرفته نشود و استقرار نیابد، نظارت دچار مشکل می‌شود. یکی از امتیازات کشورهای پیشرفته در بخش نظارت و مدیریت، همین استقرار فرهنگ نظارت و نظارت‌پذیری است که سبب شده است کار نظارتی به سهولت انجام گیرد. نظارت‌پذیری و بلکه خود را مسئول دانستن در امر نظارت، ریشه در فرهنگ اسلامی دارد و یکی از مبانی فرهنگ اسلامی، نظارت عمومی و نظارت جامعه است. نظارت عمومی یک اصل اسلامی است در تاریخ درخشان اسلام، افراد مؤمن خودشان را در این زمینه مسئول می‌دانستند و بر اموری که مربوط به عموم جامعه بود، نظارت می‌کردند یا مدیران اسلامی را در امر نظارت کمک می‌کردند. با تکیه بر این فرهنگ اسلامی تثبیت شده باید فرهنگ نظارت‌پذیری و همگانی کردن را احیا کنیم. هر چه جامعه و دستگاه‌های اجرایی و کارگزاران نظام، نظارت‌پذیرتر باشند، نظارت دستگاه‌های نظارتی کارآمدتر خواهد شد و بسیاری از تنش‌ها و برخوردها از بین خواهد رفت یا کم خواهد شد.

۳ ـ ایجاد ساختار متناسب با اهداف نظارتی:

محور دیگر، ایجاد ساختاری متناسب با اهداف و مقاصد نظارتی است. هر دستگاه نظارتی با اهداف و مقاصد و وظایفی که برای آن تعیین شده است، نیاز به ساختار مستحکم و قوی و کارآمد دارد. سازمان بازرسی که در قانون اساسی ظرفیت خیلی بالایی برای آن تعیین شده و نظارت بر اجرای قوانین بر عهده آن گذاشته شده است، قطعا ساختار خیلی کارآمدی را نیاز دارد و این ساختار باید بر اساس آن اهداف و وظایف و ظرفیت‌هایی که تعیین شده است، تنظیم شود تا بتواند نظارت کارآمد داشته باشد.

۴ ـ بهینه‌سازی روش‌های نظارت:

محور دیگر در نظارت کارآمد، روش‌های نظارتی است. نباید تصور شود که روش‌های نظارتی منحصر به روش پلیسی و مچ‌گیری و بگیر و ببند است. روش‌های بهتری وجود دارد که در دنیا مورد استفاده است و می‌توان آنها را بررسی کرد و به کار گرفت.

۵ ـ پیشنهاد راه حل، پس از انجام نظارت و بازرسی:

محور دیگری که از محورهای بسیار اساسی در کارآمد کردن نظارت است، این است که پس از نظارت و بازرسی، راهکار پیشنهاد داده شود. در وضع کنونی، پس از آنکه بازرسی انجام گرفت و اطلاعات و گزارش‌ها

تنظیم و آماده شد، مرحله بعدی مشخص نیست که چه خواهد شد. تنها در بخش مربوط به مفاسد، پرونده به یک شعبه قضایی داده می‌شود، در مواردی نیز به مسئولان ذی‌ربط گزارشی داده می‌شود. این مقدار برای نظارت کارآمد، کافی نیست. اولاً نظارت و بازرسی، منحصر به بازرسی موارد جرم و فساد نیست، یک بخش کوچک آن این است. بخش مهم بازرسی آن است که عملکرد دستگاه‌ها و میزان رشد و موفقیت آنها را مورد بازرسی قرار دهد و مشکلات و عیوب ساختاری و نواقص قانونی آنها را بررسی کند و راه‌حل پیشنهاد دهد. بازرسی و نظارت، دادستانی نیست که فقط دنبال جرایم و فساد باشد، در سازمان بازرسی کل کشور، عنوان بازرسی هست و نه عنوان جرم‌یابی. وظیفه این سازمان آن است که عملکرد کل دستگاه‌های اجرایی کشور را بازرسی و ارزیابی کند که چه نواقصی دارند و درجه موفقیت آنها چقدر بوده و در چه حوزه‌هایی موفق و در چه حوزه‌هایی ناموفق بوده است و اصلاً این دستگاه مورد نیاز است یا موازی با دستگاه‌های دیگر و کار آن تکراری است؟ وقتی کسی تشکیلات زیرمجموعه خود را بازرسی می‌کند با چه دیدی بازرسی می‌کند؟ همه این جنبه‌ها را در نظر می‌گیرد و هدف او نیز آن است که اصلاح کند و رشد دهد و مشکلات و نواقص و کمبودها را رفع کند و دستگاه را به پیش ببرد. برداشت شخصی من از سازمان بازرسی کل کشور که در اصل ۱۷۴ قانون اساسی آمده، چنین برداشتی است. بخشی از وظایف این سازمان، بازرسی تخلف و حیف و میل‌های مالی و سوءاستفاده‌ها و مفاسد اقتصادی است، ولی وظیفه این سازمان منحصر در این بخش نیست، بلکه وظیفه مهم

آن، بازرسی کل عملکرد دستگاه‌های اجرایی و ارائه راه حل در جهت رفع مشکلات و موانع آنهاست. متأسفانه در مطبوعات و در ادبیات امروز جامعه ما، همه نگاه‌ها متوجه موضوع نخست است و ما هم ناخودآگاه دامنه آن را توسعه می‌دهیم و ذهن مردم را نسبت به مسئولان نظام مشوش می‌کنیم به نحوی که خیال می‌کنند در همه امور حیف و میل و دزدی می‌شود و هیچ کار مفیدی انجام نمی‌گیرد. در حالی که واقعا این طور نیست، کارهای مثبت و خدمات ارزنده دستگاه‌های اجرایی کشور در این بیست و پنج سال بعد از انقلاب، بی‌نظیر یا کم نظیر است. البته در کنار هر فعالیت و خدمتی، آسیب‌هایی هم وجود دارد، کار بی‌آسیب، جایی است که کاری نشود.

۶ـ پی‌گیری نتایج بازرسی

عملیات بازرسی نباید فقط به دادن یک گزارش و یا دادخواست و یا سند به دادگاه منتهی شود. من در این بخش، خلأیی را احساس می‌کنم و این خلاء باید از راه قانون و تصویب قوانین لازم پر شود. باید تشکیلات اجرایی دیگری در کنار سازمان بازرسی و البته متصل به آن با اختیارات کامل، متصدی اجرای گزارش‌های سازمان بازرسی باشد. مرحله پس از بازرسی، مرحله اجراست و به این ترتیب نظارت یک کار نتیجه‌دار خواهد بود. سازمان بازرسی گزارش‌های انبوهی را تهیه می‌کند و ما هم می‌فرستیم خدمت مسئولان، ولی به نتیجه نمی‌رسد و مثل گزارش‌های معمولی به کناری گذاشته می‌شود. بسیاری از آنها حتی در دستگاه قضایی نیز به نتیجه نمی‌رسد که حالا سعی شده در این قسمت هماهنگی بیشتری

صورت گیرد و اقلاً خود دستگاه قضائی مرحله دوم را به درستی انجام دهد. یکی از محوری‌ترین بحث‌ها در کارآمدی نظارت و بازرسی، پی‌گیری و اجرای گزارش‌هاست. رهبری هم که فرمودند نظارت را کارآمد کنید به نتایج گزارش اشاره داشتند.

بنابراین برای دست‌یابی به نظارت کارآمد باید اولاً ما خود را در این موضوع یعنی فقط بازرسی آسیب‌ها محدود نکنیم. ثانیاً ساز و کار نظارت جامع از حیث نیرو و ساختار و روش فراهم آوریم.

ثالثاً گزارش‌ها اطمینان بخش و جامع باشد و همه بخش‌های عملکرد دستگاه مورد نظارت در آن دیده شود. اگر جنبه‌های منفی آن دستگاه گزارش شده، جنبه‌های مثبت آن هم گزارش شده باشد.

رابعاً راهکارهای حل مشکل نیز به شکل علمی و تخصصی و قانع کننده و قابل قبول در آن مطرح شده باشد.

خامساً گزارش تا به اجرا درآمدن مفاد آن، پیگیری شود. در این قسمت به نظر من، خلاء قانونی وجود دارد و یک ساختار دیگری با اختیارات ویژه برای اجرای گزارش‌های بازرسی لازم است.

اولویت‌بندی بازرسی

نکته مهم دیگر در امر بازرسی، اولویت بندی‌های بازرسی است. این گونه نباشد که مردم احساس کنند مسایل اولویت‌دار کنار گذاشته شده

و به تخلفات درجه دو و سه توجه می‌شود. تشخیص اولویت‌ها یکی از سیاست‌های کلان بازرسی است که باید در مرکزیت سازمان به صورت دقیق انجام گیرد. معیارهای اولویت هم مشخص است، اموری که رهبری بر آنها انگشت گذاشته، مسایلی که موجب نارضایتی جامعه شده است، رشوه‌گیری‌های آشکار و پنهان. امروز در هر جا بروید نظرسنجی کنید، مردم می‌گویند: مگر می‌شود بدون رشوه و زیرمیزی کاری در ادارات انجام داد؟ این فساد توسعه پیدا کرده و شکل‌ها و مراتب گوناگونی دارد، از رشوه‌های معمولی گرفته تا بند و بست‌های پشت پرده و باج‌گیری‌ها و اعمال فشارها و رانت‌هایی که رهبری به آنها اشاره کرده‌اند. از سطوح بالای حکومت گرفته و صدور مجوزها و قراردادها و دادن امتیازهایی که در انحصار دولت است تا سطوح پایین و ادارات جزء، در ثبت به نوعی و در بانک به نوعی دیگر و در شهرداری نیز به نوعی دیگر، رشوه شیوع دارد. برای نظام اسلامی بسیار زشت است که رشوه‌گیری این چنین باب شود، نظامی که به حق ادعا دارد که می‌خواهد اسلام را پیاده کند. در فقه اسلام رشوه از اعظم محرمات و از کبائر است، «**الراشی و المرتشی کلاهما فی‌النار**». رشوه‌گیری در ادارات، یکی از بدترین انگ‌هایی است که به نظام اسلامی می‌خورد و آبروی نظام را می‌برد، باید جلوی آن گرفته شود.

چه باید کرد که این فضا را سالم کنیم؟ البته راهکارهایی هست و برای مقابله با این فساد باید از روش‌های پیشرفته روز استفاده کنیم. یکی از

مسئولان برنامه و بودجه که به مالزی رفته بود، گزارش می‌داد که در آن جا برنامه‌های بسیار دقیقی برای مبارزه با فساد و رشوه و ارتشا اجرا کردند و بسیار هم موفق بوده‌اند. او نسخه‌ای از این برنامه را آورده بود که لازم است سازمان بازرسی آن را بگیرد و بررسی کند.

شاخص‌های موفقیت بازرسی

باید مجموعه این سیاست‌ها و روش‌ها در شورای بازرسی مطرح شود و با کمک اهل نظر مورد بحث و بررسی کارشناسانه قرار گیرد تا به تدریج نواقص و اشکالات رفع شده و دستگاه نظارتی کارآمد گردد و آثار موفقیت آن در سالم سازی دستگاه‌های اجرایی در جامعه نمود پیدا کند. مشخصه کارآمدی و موفقیت دستگاه بازرسی، دو چیز است:

نخست، آنکه آثار عملی آن در جامعه نمود پیدا کند و ریشه کن شدن یا کاهش رشوه و رانت‌خواری و فساد در نهادهای اجرایی مشهود باشد.

دوم، آنکه بازرسی، آسیب‌های جانبی از قبیل تعطیلی و توقف پروژه‌ها و رکود فعالیت دستگاه‌های اجرایی را در پی نداشته باشد، نه آسیب‌های واقعی و نه آسیب‌های ادعایی و بهانه جویانه را. اگر این دو مشخصه را شاهد بودیم، آن وقت خواهیم دید که مردم از دستگاه نظارتی راضی خواهند بود، دغدغه‌های مقام معظم رهبری رفع شده و سرانجام رضایت خدا را نیز در پی خواهد داشت.

لزوم تذکر و تنبه دادن و مداومت بر نظارت

ذکر برخی از مسائل شاید تکرار مکررات است، ولی تذکر آنها لازم است، قرآن هم فرموده ﴿**وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ**﴾.[1]

طبق دستور شرع مبین اسلام؛ مؤمنین همواره نیاز به تذکر و انذار دارند. خود قرآن هم نکاتی را تکرار کرده است، چون انسان به سرعت غفلت می‌کند، تا شرایطش عوض می‌شود زود یادش می‌رود، این‌جاست که تذکر و تنبه دادن و مداومت بر نظارت همواره لازم است. اگر کسی مقام بالاتری می‌گیرد نباید فکر کند دیگر مصون شده است، نه خیر، زبیربن عوام پسر عمه پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و از یاران صمیمی پیامبر بود و چه سوابق درخشانی در اسلام و در غزوات پیامبر ﷺ داشت. وقتی پس از کشته شدن او شمشیرش را برای مولی آوردند، مولی گریه کرد و گفت این شمشیر چه اندوه‌هایی را از چهره پیامبرﷺ زدود. همین زبیر کارش به جایی کشید که در مقابل امیرالمؤمنین ایستاد و جنگید. زبیر با آن تاریخ مشعشع و درخشان تحت تأثیر دو عامل، دگرگون شد، یکی خوی تبعیض و رانت‌خواری و امتیازطلبی که ناشی از سیاست‌های ناصحیح خلفا بود و خیلی‌ها را فاسد کرد، عامل دوم پسر زبیر بود. در روایات آمده است تا وقتی عبدالله پسر زبیر، کوچک بود، زبیر از طرفداران امام بود، وقتی عبدالله بزرگ شد زبیر را به جرگه مخالفان امام کشاند.

---

۱ ـ سورهٔ آل عمران، آیه ۱۳۹.

جایگاه مسئولان حساس است، تمام لحظات و ثانیه‌های تصدی مسئولیت‌ها زیر نظر خدا است و روز قیامت مورد سؤال می‌باشد. تک تک ثانیه‌هایی که در مسئولیت گذراندیم تحت آن دو سؤال قرار می‌گیرد: آیا رسالت و دَینت را به دین ادا کردی یا خدای ناکرده خلاف کردی و آبروی نظام را زیر سؤال بردی، آیا به مردم خدمت کرده‌ای؟ مخصوصاً این مردم خوبی که ما داریم و این همه اطاعت مردم از نظام و رهبری، مسئولیت ما را چندین برابر می‌کند. این فرصت را ائمه نداشتند، امام صادق علیه‌السلام در پاسخ مردی خراسانی که از او سؤال می‌کند چرا قیام نمی‌کنید، امام با اشاره به گله بزی که در آنجا وجود داشت گفت تعداد این بزها چقدر است، مرد شمرد و گفت ۳۰ تا، امام فرمود: اگر من به همین تعداد پیرو داشتم قیام می‌کردم.

شوخی نیست، حضور یک امت ۶۵ میلیونی حاضر در صحنه که هر مشکلی را برای دین تحمل می‌کنند، بار بسیار سنگینی را بر دوش مسئولان و مدیران می‌گذارد. این فرصت‌ها به زودی به دست نمی‌آید و خدا می‌داند چند قرن بگذرد تا چنین فرصتی به دست آید. اینها سؤالاتی است که از ثانیه‌های تصدی ما سؤال خواهد شد، از حالا می‌بایست خود را آماده کنیم. می‌دانید این زندگی‌ها خیلی پایدار نیست، با سرعت برق می‌گذرد. امیدواریم خداوند توفیق بندگی بدهد[۱].

---

۱ ـ سخنرانی در جلسه شورای اداری استان هرمزگان تاریخ ۸۱/۰۱/۲۸

کلان‌نگری در بازرسی و نپرداختن به امور جزئی و شخصی

بعضی اوقات کارهای جزئی پیگیری می‌شود که اصلاً خارج از حیطه بازرسی است و ربطی به بازرسی ندارد. فرض کنید کسی می‌خواهد سیاست‌های بانک مرکزی را بازرسی کند، دنبال این نباشد که مثلاً مدیر بانک ماشین را به برادرزنش داده یا خیر، این به سیاست‌های بانک مرکزی ربطی ندارد، این کار اگر فساد باشد، فساد یک مدیر است و نه فساد بانک مرکزی. محور بازرسی در بانک مرکزی فقط باید متمرکز بر فعالیت‌های اصلی این بانک باشد که مثلاً با ارزها چه می‌کند، در اوراق قرضه‌ای که صادر می‌کند فساد هست یا نه، ارزها را کجا می‌فروشد، سیاست‌های پولیش چیست؟ گزارش‌هایی را می‌بینم که فقط به امور جزئی یا به شکایات شخصی برخی از کارکنان دستگاه بازرسی شونده پرداخته و به کار اصلی آن دستگاه توجهی نشده است. این چیز مهمی نیست. وقتی یک پروژه کلان مورد بررسی است، نباید به جزئیات توجه کرد و از کار اصلی و رسیدگی به فسادهای اصلی بازماند. بازرسی امور جزئی و شخصی به واحدهای دیگری سپرده شود. برای بازرسی هر دستگاهی باید به سراغ کار اصلی آن دستگاه رفت و به امور جنبی و جزئی توجه نشود. مثلاً رسیدگی به فسادهای شرکت نفت به این نیست که از وزیر یا مدیر آن تحقیق کرد که ماشینش را به چه کسی داد. بازرس باید ببیند قراردادهای نفتی چگونه و با چه قیمتی منعقد شده، پروژه‌ها چگونه انجام گرفته، درآمدها متناسب بوده یا خیر، مشابه این قراردادها و پروژه‌ها در کشورهای دیگر چگونه بوده

است؟ در بازرسی شرکت نفت باید به این گونه امور پرداخت نه به امور جزئی و تخلفات فلان کارمندان آن. بازرسی این امور، وظیفه ما نیست، کمیسیون تخلفات اداری باید به این امور رسیدگی کند.

سازمان بازرسی به عنوان چشم بینای نظام و دستگاه قضایی و رهبری، باید فعالیت‌های اصلی و محوری دستگاه‌های اجرایی را بازرسی کند و جلوی تخلفات اساسی در این حوزه‌ها را بگیرد و امور جزئی و دست و پاگیر را کنار بگذارد.

نکته دیگر این است که سازمان بازرسی، تنها به دنبال مسائل خرد و تخلفات یا خلاف های جزئی یک مدیر، یا کارمند اداره، نباشد . این سازمان در روش نظارتی خود، برنامه ای تنظیم کند که پیگیری تخلفات خرد را به عهده همین دستگاه اجرایی بگذارد و خود به دنبال مسائل کلان باشد . گلوگاه های فساد را پیدا کند و ساز و کارکشف و رسیدگی به این قبیل مفاسد و بازرسی و کنترل این قبیل گلوگاه ها را بیابد . نیرو و امکانات و برنامه های سازمان طوری تنظیم نشود که اکثر وقت صرف موارد جزئی بشود، این ها در اولویت نیست، فسادهای اصلی و گلوگاه های فساد در اولویت است که می بایست برای این ها برنامه ریزی شود .

نقش بازدارندگی سازمان بازرسی

اساساً وقتی دستگاه‌های دیگر دریابند که سازمان بازرسی قوه قضائیه که طبق قانون اساسی وظیفه نظارت بر دستگاه‌های اجرایی را دارد، ناظر

و مراقب همه جانبه آنهاست، حساب کار خود را کرده و با دقت بیشتری عمل می‌کنند و در نتیجه، زمینه تخلف کاهش پیدا خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین آثار یک بازرسی فعال و مشرف و مقتدر این است که نفس وجود چنین دستگاهی سبب سالم‌سازی دستگاه‌های اجرایی خواهد شد. بیشترین خلاف‌هایی که می‌شود از آن روی است که دستگاه‌های اجرایی می‌بینند دستگاه نظارتی قوی نیست و ناظری بر کار آنها وجود ندارد، چون کسی در حضور ناظر تیز بین خلاف نمی‌کند. وجود تشکیلات نظارتی محکم و مقتدر و کامل خود مهم‌ترین عامل سالم سازی دستگاه‌های دیگر است. خیلی از کسانی که خلاف می‌کنند، اگر چنین چیزی در دستگاه وجود داشته باشد، خلاف نمی‌کنند، خلاف‌ها از آنجا شروع می‌شود که متخلف احساس کند ناظری نیست، یا بر فرض وجود ناظر و گزارش تخلف، مثلاً فلان مسئول شفاعت می‌کند و دستگاه نظارتی هم می‌پذیرد و کار تمام می‌شود؛ لذا شروع می‌کند به اولین و دومین تخلف، سپس با اطمینان از نبود ناظر یا ضعف دستگاه نظارتی، جرأت پیدا کرده و دامنه تخلف‌ها را گسترش می‌دهد و «تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود».

اگر از اول کار نظارت شود، دستگاه اجرایی سالم می‌ماند و افراد متخلف، مجال تخلف نمی‌یابند. پس داشتن چنین دستگاه قدرتمندی یکی از مهم‌ترین عوامل اصلاح دستگاه‌های مدیریتی و اجرایی نظام است، از این رو لازم است ساختار این نهاد نظارتی به‌گونه‌ای تکمیل شود و توسعه یابد که این هدف مهم را برآورده سازد و همه دستگاه‌ها احساس کنند

آشکار یا پنهان زیر دید بازرسان قرار دارند. منظور از توسعه ساختار، البته توسعه کمّی نیست، بلکه مراد افزایش کیفیت نظارت و گسترش قلمرو آن است؛ به‌طوری که این سازمان واقعاً چشم و گوش نظام باشد و تأثیر روانی وجود چنین سازمانی در مجموعه‌های اجرایی احساس شود.

استفاده از اهرم‌های تبلیغاتی برای ایجاد هیمنه نظارتی: برای ایجاد هیمنه نظارتی در دستگاه‌های اجرایی، استفاده از اهرم‌های سیاسی و تبلیغاتی نیز خیلی موثر است و انگیزه تخلف را کاهش می‌دهد. در کشورهای پیشرفته برای این‌کار از فن‌آوری جدید هم استفاده می‌کنند و از طریق تبلیغات حساب شده، تأثیر عامل روانی نظارت را بر دستگاه‌های اجرایی افزایش می‌دهند و آن را از عوامل مهم پیشگیری از تخلف‌ها می‌دانند.

نظارت و بازرسی همه جانبه

باید نظارت و بازرسی همه جانبه باشد نه یک بعدی. متأسفانه نظارت ما یک بعدی است، سازمان بازرسی چون در قانون اساسی ضمن قوه قضائیه قرار گرفته، شیوه و بعد نظارتیش فقط بعد قضایی است، عین یک قاضی، یک دادستان، یک حقوقدان نگاه می‌کند و اشکال می‌گیرد. سازمان حسابرسی دولت هم فقط از بعد حسابرسی وارد می‌شود و اصلاً کاری به جوانب دیگر ندارد. دیوان محاسبات هم فقط از بعد تلفیق بودجه نگاه می‌کند. این سه دستگاه نظارتی عمده و اصلی هر کدام از یک بعد مسئله را نگاه می‌کنند.

این گونه نظارت‌های یک بعدی و مجزای از ابعاد دیگر، موجب ناکارآمدی نظارت است. نظارت بایستی همه جانبه باشد، مثلاً وقتی می‌خواهند یک فعالیت بانکی را نظارت کنیم، دستگاه نظارت می‌بایست حداقل بداند این بانک برای چه تأسیس شده و چه هدف هایی دارد، اولویت‌های آن در نظام اقتصادی ما چیست، آیا آنها را انجام داده یا از آنها عقب مانده است؟ نه اینکه دستگاه نظارتی دنبال آن باشد که آیا در بازپرداخت وام کسی دو روز تأخیر شده یا نه و آیا مدیر بانک در این تأخیر تخلف داشته یا نه. ممکن است قاضی روی این مورد دست بگذارد و بگوید تخلف شد آن قدر هم زندان دارد، ولی این تخلف چه تأثیری در اقتصاد جامعه ما دارد؟ آن هدف اصلی این بانک که انجام نشده و از این جهت به تمام اقتصاد مملکت آسیب رسانده و سبب فرار سرمایه‌ها به خارج شده است، اما در نظارت‌ها به این آسیب مهم توجه نمی‌شود و همه چشم نظارت متوجه آن است که آیا در تأدیه فلان وام تأخیر شده یا نه؟ در حالی که دستگاه نظارتی باید جهت اصلی فعالیت این بانک را ببیند، اگر خیلی موفق بوده تشویق داده شود، اگر موفق نبوده، بررسی شود چرا موفق نبوده است؟

خیلی از تخلفاتی که در پرونده‌های سازمان بازرسی آمده موارد جزئی بوده که اثر چندانی هم نداشته است. در مواردی هم ممکن است، دستگاهی تخلفی کرده باشد، ولی برای رسیدن به هدف مهمی از اهداف اقتصادی آن دستگاه، چاره‌ای نداشته و از راه این تخلف به آن هدف مهم رسیده است. این در حقیقت هدف صحیحی داشته می‌خواسته به آن برسد، ولی

راه را مقدار کج رفته است، این با تخلفات دیگر خیلی فرق دارد. در بازرسی باید جامع‌نگری باشد، ما به چیزهای جزئی خیلی اهمیت می‌دهیم و دنبال مچ‌گیری و تخلف‌گیری هستیم، ولی به مسایل کلانی که برای جامعه بسیار خطرناک‌تر است، اصلاً توجه نمی‌کنیم. در همین مثالی که عرض کردم، سازمان بازرسی بیاید بررسی و مقایسه کند که چرا عملیات نظام بانکی ما در داخل کشور نسبت به فعالیت نظام بانکی این کشورهای کوچک حاشیه خلیج فارس که هر کدام از آنها به اندازه یک شهر ما نیست، این قدر عقب مانده است؟ همین ضعف سبب فرار خیلی از سرمایه‌ها از کشور شده است، گفته شده ده هزار شرکت ایرانی در امارات و کشورهای آن طرف خلیج فارس ایجاد شده و سرمایه‌گذاری کرده‌اند. شوخی نیست! ده هزار شرکت ثروت‌های مملکت را برداشتند بردند آنجا سرمایه‌گذاری کردند، چرا اینجوری شده است؟ عوامل این فرار سرمایه‌ها چیست، ناکارآمدی سیستم بانکی ماست، ناکارآمدی سیستم گمرکی ماست؟ سازمان بازرسی این موضوع را بررسی کند. سازمان بازرسی و دستگاه‌های نظارتی هدف‌های کلان را دنبال کنند. این که حالا مدیری از فلان ماده تخلف کرده، آسمان را به زمین نمی‌آورد، اما خروج ۷۰۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور، زیان غیر قابل جبرانی برای اقتصاد کشور است. کشورهای دیگر سعی می‌کنند به انواع وسایل و شیوه‌ها جاذبه ایجاد کنند و ثروت‌های دیگران را به کشور خودشان جذب کنند، آن وقت ما با سیستم‌های مالی ناکارآمدمان دافعه ایجاد می‌کنیم. خروج سرمایه از کشور، بدترین مفسده اقتصادی است، خیلی بدتر از رشوه‌گیری و رانت‌خواری در داخل کشور است؛ چون ثروت

فقط در داخل کشور جا به جا شده و از کشور بیرون نرفته است، این کار از بعد اقتصادی اصلاً مفسده نیست، فقط از بعد حقوقی مفسده و جرم است. چیزی که از نظر اقتصادی کمر کشورها را می‌شکند و به عقب‌ماندگی‌شان می‌کشاند، فرار سرمایه و نیروی انسانی کارآمد از کشور است.

خوب، سازمان‌های نظارتی چرا بر این پدیده مهلک نظارت نمی‌کنند؟ در خیلی از موارد باید «کارهای نکرده» را نظارت کرد که چرا این دستگاه این کار را نکرده است؟ کارِ نکرده را جرم نمی‌دانیم، در حالی که گاهی جرم کاری که نکرده خیلی بیشتر از جرم کارهای خلافی است که کرده است. گاهی ضربه و فساد کارهای نشده به اقتصاد مملکت و به حیثیت کشور، خیلی بیشتر از آن تخلفی است که انجام گرفته است. سازمان‌های نظارتی این‌ها را محور قرار بدهند و با این روش نظارت و بازرسی کنند و گزارش تنظیم کنند و به مسئولان اجرایی کشور یا به دستگاه قضایی بدهند. این‌ها مفاسد اصلی است که من از آنها به عنوان فساد اکبر تعبیر کردم. آن مفاسد خرد و جزئی، فساد اصغر است. این مفاسد کلان و بزرگ اگر اصلاح نشود ما به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله نخواهیم رسید.

بازرسی، کار قضایی نیست، دید بازرسی باید دید کارشناسی همه جانبه باشد. سازمان بازرسی بایست نگاه و عینک دیگری داشته باشد و نیروهایش نیروهای دیگری باشند، از خبرویت و کارشناسی‌های ویژه‌ای، مخصوصاً در مسایل اقتصادی، برخوردار باشند، فقط در پی مسایل جزئی و حقوقی و قضایی نباشد.

نظارت و بازرسی فراتر از تخلفات عملی

در بازرسی ها به مفاسد و تخلفات عملی اکتفا نشود، روش ها و مقررات اداری هم بازرسی شود .

اصلاً آیا بعضی از مقررات و بخشنامه های دولتی، خود موجب فساد نیست؟ خیلی از زمینه های فساد به وسیله مقررات و بخشنامه ها ایجاد می شود . این بدتر از تخلف یک مدیر فاسد است، آن یک فساد است ولی این زمینه فسادها را ایجاد می کند . سازمان بازرسی باید روی این گونه بخشنامه ها انگشت بگذارد . حالا اگر قانون بازرسی در این زمینه محدودیت دارد باید اصلاح شود، قانون اساسی همه این بازرسی ها و نظارت ها را در اختیار این سازمان گذاشته است . سازمان بازرسی می بایست تمام اموری را که موجب فساد است بازرسی بکند، اگر فساد ناشی از عمل خلاف یک مدیر است، سر وقت مدیر برود و اگر فساد ناشی از مجوزها و مقررات و بخشنامه های اداری است یقه آن کسی که این مقررات را وضع کرده است بگیرید .

پیگیری کردن فسادهای عملی به تنهایی کافی نیست، فسادهایی که به شکل مجوز و مقررات و بخشنامه می باشد نیز باید پیگیری نمود . در مواردی شاید شخص خلاف کار از خود دفاع کند و بگوید طبق مجوز این کار را انجام داده است، در این صورت باید مقررات و مجوز را بازرسی و رسیدگی کرد.

در بسیاری از امور اقتصادی و اداری، فسادها از عمل نیست، از عدم

عمل است . به یک مسئول یا مدیر اقتصادی اختیاراتی داده شده که مثلاً زمینه رشد اقتصادی را ایجاد کند، اما او اقدام نمی کند و آن قدر محدود و بسته عمل می کند و اختیار و امکانات می دهد و جلوی خیلی از فعالیت ها را می گیرد، حالا یا غرض انحصارکری دارد، یا نه، چون درک درستی ندارد خیال می کند که هر چه بسته تر عمل کند به نفع نظام است . باید به این موارد توجه شود . برخی از فسادهای اقتصادی کشور ناشی از اختلاف ذوق و سلیقه های شخصی مدیران است که با هم در تضاد هستند، یا ناشی از تضاد یا تنافی میان مقررات است. خیلی وقت ها دیده شده که مقرراتی را که یک وزارت خانه تنظیم کرده است با آن چه که در وزارت خانه ای دیگر تنظیم شد کاملاً متضاد است در صورتی که این دو عمل به هم وابسته هستند و اگر یکی نباشد دیگری فلج است مثلاً فرض کنید وزارت ارشاد برای جذب جهانگردان مقرراتی را تصویب کرده است و از طرفی وزارت راه و ترابری اجازه نمی دهد از مسیر متناسب استفاده شود، تعداد پروازهای خوب محدود می شود، صنعت جهانگردی که از منابع مهم درآمد بسیاری از کشورهاست، در کشور ما موفق نمی شود. این ناهماهنگی ها و تضادها در مقررات دستگاه هایی که به هم وابسته اند مانع از تحقق هدف مطلوبی است که خود دولت در سیاست های کلان خود دیده است. سازمان بازرسی این موارد تضاد و ناهماهنگ را کنار هم مشخص کرده و به دولت نشان دهد تا آن ها را اصلاح کنند.

نظارت پیشین بر انعقاد قراردادها

باید سیاست‌های بازرسی از همین حالا مشخص شود و بازرسی با روش‌های درست و با مراعات همه جوانب انجام گیرد. در شیوه بازرسی و در مرحله بعد که رسیدگی قضایی آغاز می‌شود، شکل رسیدگی به پرونده باید به گونه‌ای تنظیم شود که آسیبی در بر نداشته باشد و زمینه بهانه را از طرف مقابل بگیرد که ادعا نکند بازرسی موجب زیان بیت‌المال شده و یا انگیزه را از مدیران گرفته است و بهانه‌هایی از این قبیل.

سیاست‌ها و شیوه‌های بازرسی چنان باید کارشناسانه باشد که نه تنها این آسیب‌ها را بلکه شائبه توهّم این آسیب‌ها را هم نداشته باشد. سعی شود قبل از انعقاد قراردادها در دستگاه‌های اجرایی، نظارت پیشین بر کار آنها وجود داشته باشد. توافقی میان سازمان بازرسی و دستگاه‌های اجرایی صورت گیرد که گزارش قراردادها به سازمان بازرسی فرستاده شود تا قبل از انعقاد قرارداد، تذکرات لازم داده شود که بعد از آن مدیران اجرایی نگویند حالا که قرارداد را بستیم تذکر می‌دهید. حتی‌المقدور هیچ توقیف و تعطیلی در کار ایجاد نشود، کار روند خود را ادامه داده و بازرسی و بررسی قضایی نیز در کنار آن، کار خود را انجام بدهند. شکل و شمایل کار و ورود و خروج بازرسان، شکل و شمایل پلیسی نباشد، چون در این صورت از طرفی متخلفان هشیار شده و امکان شناسایی آنان از بین می‌رود و از طرفی نیز بهانه به دست مدیران اجرایی می‌دهد.

اعتماد به دستگاه‌های بازرسی شونده در فرایند بازرسی

یکی دیگر از سیاست‌های مهمی که باید مورد توجه سازمان بازرسی قرار گیرد، اعتماد به خود دستگاه‌های مورد بازرسی و استفاده از مدیریت آنها در فرایند بازرسی است. وقتی می‌خواهیم یک وزارتخانه یا شرکت دولتی و یا نهادی را بازرسی کنیم نباید فرض کنیم که همه آن وزارت از رأس تا ذیل در مقابل ما موضعگیری دارد، چرا این گونه فرض کنیم؟ در بسیاری از موارد می‌توان به مدیران عالی آن دستگاه‌ها که سابقه روشنی دارند، اعتماد کرد و از خود آنها کمک گرفت و استفاده کرد. با آنان رابطه برقرار شود و از خود آنان درخواست شود که از زیرمجموعه‌شان گزارش تهیه کنند و اگر دیدید گزارش آنان خوب و دقیق است، تشویق شوند. اینکه فرض کنیم ما قاضی هستیم و تمام دستگاه و مدیرانش متهم هستند، نگرش درستی نیست. تا هر جا که امکان دارد باید به خود مدیران عالی اعتماد کرد و از آنان استفاده شود. خود اعتماد کردن اثر تربیتی دارد، عزیزان این را بدانید انسان‌ها یک دفعه فاسد نمی‌شوند، به تدریج فاسد می‌شوند، همان‌طور که به تدریج هم صالح می‌شوند. یکی از ابزارهای تربیت کردن، اعتماد است، مانند تربیت فرزند که هر چه به او بیشتر اعتماد کنید بیشتر اصلاح می‌شود، اما اگر بخواهید از اول با دید شک و اتهام به او نگاه کنید ممکن است در اثر شک و اتهام شما به تدریج فاسد شود. انسان در هر مرحله‌ای که باشد امکان اصلاح و سقوط او هست، اعتماد به اشخاص، موجب احساس مسئولیت در آنان می‌شود و خود این احساس

مسئولیت به اصلاح می‌انجامد، اگر هم می‌خواسته آلوده شود دیگر آلوده نمی‌شود و بیشتر در مسیر اصلاح و خدمت می‌افتد. اصل اعتماد را به عنوان یک روش، وارد مدار بازرسی کنید و آثار آن را ببینید، بسیاری از بهانه‌ها و انتقادها به عملکرد بازرسی، با این روش از بین می‌رود. البته لازم است این شیوه را به دقت تبیین و تدوین کرده و به شکل درست و کارآمدی اجرا کنیم.

نتایج نهادینه شدن نظارت و بازرسی

مسأله دیگر به نظر من بحث ضمانت اجراست که شما گفتید، برای این هم بایستی دنبال راهکار باشیم؛ اولاً این را بدانید که خود نظارت وقتی نهادینه و کامل و سیستماتیک شود مخصوصاً با داشتن یک تشکیلات و شبکه بازرسی دقیق و قوی، شاید پنجاه، شصت درصد از ضمانت اجرا را ایجاد می‌کند. یعنی وقتی دستگاه‌ها بفهمند که نظارت هست، سؤال و جواب هست؛ حالا فرضاً به دادگاه هم کشیده نشود ولی بالاخره یکی می‌آید و از او سؤال می‌کند، کشف می‌کند؛ بازرسی می‌کند که این‌جا این کار شده، یا این تخلف شده؛ خود این خیلی اثر دارد. متخلف، چون کسی بالای‌سر ندارند تخلف می‌کند؛ همین فرد اگر در یک دستگاهی برود که نظارتش خوب باشد، تخلف نمی‌کند؛ چون از رسوا شدن می‌ترسد، از مطرح شدن آن می‌ترسد. اینها خیلی مؤثر است، همیشه دنبال ابزار محکمه و محاکمه نباشیم؛ این هم یکی از ابزارهاست

و باید آخرین ابزار باشد؛ (آخر الدواء الکی).

در این مسأله، حضور زنده و فعال و پویای مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی لازم است. این مسأله بسیار مهمی است، این کار، شخص را از نظر اجتماعی می‌ترساند که اگر این کار را بکند فردا به همه جا منعکس می‌شود. این کجاست، وقتی این دستگاه حضور اطلاع‌رسانی کاملی در صحنه داشته باشد و موضوع در صدا و سیما و مطبوعات مطرح شود. این هم یک مسأله‌ای دیگر است و بازدارندگی آن خیلی بهتر از ابزارهای دیگر است. حالا فکر آن ابزارهای اجرایی و قانونی هم در بخش‌های مربوط به محاکم می‌شود، بخشی از آن مربوط به دستگاه‌های اجرایی است، برای این کار هم باید فکری بشود؛ قوه قضائیه بالاخره یک خانواده است، به‌راحتی می‌توان در مجموعه قوه قضائیه این کار را انجام داد؛ شعبه‌های معینی را مسؤول کرد برای این کار و قضاتی را که مورد توافق آقایان باشد قرار بدهیم. در دستگاه‌های دیگر هم دنبال فرمول بیفتید، فکر کنید و فکر کنم می‌توان مکانیزمی را پیدا کرد برای این‌که این کارها را آسان کرد. ضمانت اجرایی قانونی هم داشته باشد که براساس آن ضمانت‌ها، کسانی که دو رادع اول و دوم از تخلف منع‌شان نمی‌کند با این ضمانت‌ها جلوی آنان را گرفت.

بحث دیگر هم، بحث، امکانات و تشکیلات گسترده است. گمان می‌کنم اگر سازمان بازرسی بخواهد واقعاً این سیستم نظارتی و بازرسی را پیش بگیرد، باید در همه دستگاه‌ها و همه تشکیلات عضو داشته باشد؛

ناظر داشته باشد، بازرسی داشته باشد و این کار، تشکیلات خیلی عریض و طویلی می‌خواهد و شاید از هر تشکیلاتی در کشور گسترده‌تر خواهد شد، مخصوصاً اگر این بنا باشد که تمام قلمروهای مختلف در حوزه نظارتی این سازمان گنجانده شود که گنجانیده هم می‌شود؛ هم قوه مقننه، هم قوه قضائیه، هم قوه مجریه همه می‌آیند زیر قلمرو بازرسی و نظارت این سازمان.

نظارت برای برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های آینده دستگاه‌ها، بسیار مفید است.

برنامه‌ریزی دستگاه‌های اجرایی باید متکی به داده‌های سازمان‌های نظارتی شکل بگیرد و به جلو برود. جا دارد برای این خدمات و دست‌آوردها از همه دستگاه‌های نظارتی و بالاخص سازمان بازرسی کل کشور، تقدیر و تشکر شود که با همه مشکلات و کمبودها ـ مخصوصا کمبود امکانات و بودجه ـ مصدر این خدمات ارزنده شده‌اند.

با همه این زحمات طاقت‌فرسا و خالصانه، هنوز نظام ما به نقطه مطلوب نظارت کارآمد نرسیده است و نتوانسته‌ایم توقعات مردم را از نظارت برآورده کنیم. دغدغه‌های مقام معظم رهبری را نیز کاملاً نتوانسته‌ایم رفع کنیم، فرمان ۸ ماده‌ای معظم‌له بهترین گواه است. یکی از محورهای مهم بیانات و دغدغه‌های ایشان که همواره بر آن تأکید دارند، بحث نظارت کارآمد و مقابله با فساد و رفع مشکلات مدیریتی و تحصیل رضایتمندی مردم است.

بنابراین در این بخش همواره باید احساس کنیم که از حد مطلوب پایین‌تریم و نظارت ما کارآمدی لازم را ندارد که بتواند بر این مشکلات فائق آید[۱].

لزوم توسعه همه جانبه سیستم های بازرسی و نظارت بر عملکرد دولت ها

هرچقدر که زمینه سلطه و حاکمیت دولتها بیشتر شود در نتیجه آن حقوق ملت ها و مردم نیز بیشتر در معرض تجاوز و پایان شدن قرار می‌گیرد و همین مسئله لزوم توسعه همه جانبه سیستم های بازرسی و نظارت برعملکرد دولتها و حاکمیت ها را افزایش داده است.

توسعه و توجه جدی به سازمانهای نظارتی و بازرسی را موجب حفظ حقوق شهروندی و ضامن حفظ کرامت انسانها در مقابل ساختارهای دولتی است، به همان نسبت که نظام های سلطه در سطح بین المللی رشد پیدا کرده اند باید انجمن‌ها و سازمانهای بین المللی نظارت و بازرسی نیز گسترش یابند.

جایگاه نظارت و بازرسی در قوانین جمهوری اسلامی بویژه در قانون اساسی را بسیار مهم و رفیع است این جایگاه براهمیت برگرفته از آموزه های دینی و مبانی فقهی اسلام است که به موجب آن مردم حق دارند بر عملکرد مسوولان و حاکمان خود نظارت کنند.

---

۱ ـ سخنرانی در همایش نظارت کارآمد بازرسی کل کشور تاریخ: ۸۳/۴/۲

مردم ایران متأسفانه تجربه تلخ عملکرد نامناسب و بدون حساب و کتاب و بدون نظارت حاکمیت در رژیم طاغوتی را نیز در ذهن خود دارد و همین مسئله پس از پیروزی انقلاب اسلامی منجر به تقویت و توجه جدی به لزوم وجود سازمانهای نظارتی و بازرسی در قانون اساسی و تشکیل سازمان بازرسی کل کشور شد.

وظایف سازمان بازرسی در قانون اساسی ایران فراگیر است و حق نظارت بر عملکرد تمام سازمانها و نهادهای دولتی و عمومی و نظارت بر اجرای درست سیاستهای نظام در همه بخشها ونیز نظارت بر حسن اجرای تمام قوانین کشور بر اساس قانون بر عهده این سازمان است و این اختیارات وسیع و گسترده در کمتر ساختار نظارتی در جهان وجود دارد.

استقلال سازمان بازرسی کل کشور را ویژگی بسیار مهم دیگر این سازمان است و استقلال این سازمان از بخش اجرایی موجب محفوظ ماندن سازمان بازرسی از آسیب‌ها شده‌است و به قدری این سازمان اهمیت دارد که براساس قانون اساسی بعنوان زیرمجموعه قوه قضائیه که یک قوه مستقل از قوه اجرایی کشور است قرار گرفته‌است.

امتیاز دیگر استقلال سازمان بازرسی از قوه اجرایی کشور و قرار گرفتن این سازمان در زیرمجموعه قوه قضائیه را توام شدن عملکرد و وظیفه این سازمان اجرای عدالت از سوی دستگاه قضایی است و قرار گرفتن این سازمان در زیرمجموعه دستگاه قضایی و استقلال آن از دستگاه اجرایی کشور ضمن حفظ این سازمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از قرار گرفتن

در زیرمجموعه قوه مجریه، اجرای عدالت و حفظ حقوق مردم را بهتر و سریع‌تر امکان‌پذیر می‌کند.

متأسفانه هم‌اکنون به واسطه تقویت نظامهای سلطه در جهان مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ظالمانه‌ای در جهان علیه کشورهای مظلوم شکل گرفته‌است و سازمانهای بین‌المللی نظارت و بازرسی وظیفه دارند پایمال شدن حقوق ملتها و استبداد ظالمانه و لشکرکشی استکبار به کشورهای مختلف را که به اسم گسترش دمکراسی صورت گرفته و می‌گیرد پیگیری کنند و بررسی آنرا در دستور کار خود قراردهند.

قطعاً این مناسبات و رویه‌های ظالمانه پایدار نخواهدبود و همچنان که استعمار قدیم و پایدار نماند، استکبار نوین نیز که در رأس آن آمریکا قرار دارد پایدار نخواهدماند و چالش و درگیری میان فقیر و غنی، مظلوم و ظالم در جهان با شکست نظام‌های زور و تزویر و بی‌عدالتی و پیروزی مظلومان و برگشت ملتها به میراث اسلامی و ملی خود منجر خواهدشد.

سازمانهای بین‌المللی به ویژه سازمانهایی که وظیفه نظارتی و بازرسی دارند به مردم مظلوم و کشورهای تحت‌سلطه و تقویت برخی مناسبات سلطه‌گرانه در جهان توجه کنند ولی متأسفانه بسیاری از سازمانهای بین‌المللی که با اهداف بشر دوستانه پایه‌ریزی شدند درحال‌حاضر تحت تأثیر مناسبات سلطه‌جهانی، از اهداف و وظایف اولیه خود دور شده‌اند و امکان نظارت بر عملکرد نظامهای قدرت و سلطه جهانی را ندارند.

شفافیت در فعل و انفعالات دستگاه های اجرایی و نهادهای حکومتی و عمومی

یکی از نکاتی که به ذهن من می‌رسد و در کارآمد کردن نظارت، مهم است، شفافیت در فعل و انفعالات دستگاه‌هاست. در سالم‌سازی و کاهش مفاسد و تخلفات و ناهنجاری‌های اداری، شفافیت خیلی مهم است. هر چه مقررات شفاف‌تر باشد و هر چه قوانین مربوط به عملیات مالی و بانکی شفاف و علنی باشد، امکان سوء استفاده و تخلف کم‌تر خواهد بود. با شفافیت عملیات، خود به خود مقدار زیادی از مفاسد از بین می‌رود، هیچ بزهکاری حاضر نیست در مقابل چشم مردم دست به بزه بزند، همیشه بزهکار از یک جای تاریک و مخفی استفاده می‌کند. هر چه مقررات شفاف‌تر و روشن‌تر باشد، اطلاعات در دسترس همه افراد باشد، اطلاعات مخفی و سرّی نباشد و در اختیار اشخاص محدودی قرار نگیرد، امکان مفاسد کم‌تر می‌شود، شفاف نبودن عملیات مالی بستر مفاسد و ناهنجاری‌ها را ایجاد می‌کند.

یکی از فلسفه‌های تشکیل بورس در مسایل اقتصادی، همین است که همه اطلاعات در یک زمان در دست همه قرار بگیرد و همه فعل و انفعالات برای همگان روشن باشد.

این شفافیت باید از ابتدا تا آخر باشد؛ یعنی پی‌گیری‌های دستگاه‌های نظارتی و قضایی هم بایستی شفاف باشد. مردم بالاخره می‌گویند چه شد؟

این پرونده اگر بسته بشود ولی مردم نفهمند چه شد، فقط اصل قضیه را بفهمند اما نتیجه را ندانند، این خود هم اتهام‌آور است و هم بستر یک فساد دیگری است. در این شفافیت بایستی دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حکومتی و عمومی، در مناقصه‌ها، در مقررات داخلی و آیین‌نامه‌ها، در بازرسی، در رسیدگی قضایی و سرانجام در اطلاع‌رسانی به افکار عمومی، به مثابه یک اصل دیده بشود. ما متأسفانه از افکار عمومی فقط در مسایل سیاسی می‌خواهیم استفاده کنیم. این غلط است، افکار عمومی و مشارکت مردمی و نظارت عمومی که یکی از اصول مدیریت اسلامی است. بیشتر در مسایل معیشتی و امور اجرایی و نیازهای روزمره مردم، مطرح است، این طور نیست که فقط در انتخابات و مسایل سیاسی به افکار عمومی و مشارکت مردمی توجه شود. مطلع شدن، حق عموم است و همین مطلع بودن عموم است که بستر نظارت مردم را فراهم می‌کند و خود به خود بستر فساد از بین می‌رود یا خیلی محدود می‌شود. این حق بایستی احیا بشود.

لزوم نظارت مستمر بر عملکرد مدیران و کارکنان

آنچه که فی‌نفسه خیلی مهم و لازم است، نظارت مستمر شورا بر عملکرد مدیران است. باید به شورای اداری اختیار نظارتی داده شود و اعطای این اختیار مستلزم پیشنهاد ماده قانونی نیست، بلکه با توافق جدی رئیس شورا نیز که استاندار است این کار، میسر خواهد بود و او می‌تواند

به وسیله همان دبیرخانه، سمت نظارتی به این شورا بدهد. به این معنا که این شورا به بحث‌های روزمره و طرح مشکلات اداری و کمبودها و کاستی‌های هر اداره، اکتفا نکند، بلکه مسئولیت نظارتی داشته باشد. در این شورا تشکیلاتی زیر نظر دبیرخانه برای جمع‌آوری اطلاعات عملکرد ادارات گوناگونی که زیرمجموعه این شورا هستند، تأسیس شود. اطلاعات دقیق از طرز کار هر اداره و نقاط قوت و ضعف و کیفیت برخورد آن با مردم، همراه با ارزیابی و نظرسنجی از مردم نسبت به آن مدیر، تنظیم شده و در شورا گزارش داده شود.

مدیرانی که در شورا شرکت می‌کنند، می‌دانند که اطلاعات و معلومات دقیقی از عرصه مدیریت و فعالیت آنها در بانک اطلاعات دبیرخانه، گردآوری شده و گزارش خواهد شد، از این‌رو در رفتار خود دقت و مواظبت بیشتری خواهند کرد.

این کار بسیار مؤثر است، اولاً ممکن است خیلی از مدیران واقعاً این مسائل را ندانند و زیرمجموعه‌های اداری‌شان به آنها گزارش ندهند یا گزارش معکوس بدهند. ما که بولتن‌های گوناگون را می‌بینیم می‌دانیم که آن گزارش چه اندازه مطابق با واقع است و چه اندازه خلاف واقع منعکس شده است. گردآوری و گزارش مربوط به هر اداره، بسیار مفید است، هم تذکر خوبی برای مدیر آن اداره است و هم مبنای مناسبی برای محاسبه و ارزیابی سلامت آن اداره و لیاقت و شایستگی مدیر آن خواهد بود.

رها کردن امور و گسسته برخورد کردن در مدیریت، مسئله‌ای بسیار

خطرناک و آفتی است هم برای مدیر و مجری و هم برای نظام مدیریت. رها کردن مدیر به حال خود و نبود نظارت و تذکر و کنترل، یکی از آفت‌هایی است که ممکن است یک مدیر بسیار خوب و متدین و متعهد را هم ناخودآگاه به خطا بکشاند. لذا تقاضا می‌کنم که موضوع کنترل و نظارت بر مدیران یکی از کارهای اصلی شوراهای اداری قرار گیرد. دبیرخانه فعال شورا، دارای بانک اطلاعاتی از عملکرد مدیریتی ادارات و مدیران آنها باشد، در این بانک اطلاعات، گزارش‌ها به‌طور دقیق و به‌وسیله افراد امین جمع‌آوری و دسته‌بندی شود، نظر مردم نیز گرفته شده و در شورا عرضه شود تا مدیران بدانند که واقعاً چنین نظارتی هست. نظارت بر مدیران موجب رفع بسیاری از مشکلات می‌شود، بسیاری از غفلت‌ها و بی‌توجهی‌ها از بین می‌رود، ریشه و منشأ بسیاری از مشکلات مشخص می‌شود. با اعمال نظارت بر ادارات، امکان شناسایی و حمایت و تشویق مدیران لایق و درستکار نیز بهتر فراهم می‌شود. اگر خدای ناکرده، مدیری یا یک قاضی نیز با مردم، بد برخورد کرده باشد گزارش آن در شورای اداری مطرح خواهد شد.

من از تشکیلات قوه قضائیه مثال زدم تا حمل بر این نشود که ما دادگستری را بی‌عیب می‌دانیم و فقط نسبت به دستگاه‌های دیگر انتقاد داریم، نه، دستگاه دادگستری هم مشمول همین حکم است. شاید مشکلات مدیریتی در این دستگاه اگر بیشتر نباشد، کمتر از سایر دستگاه‌ها نیست.

تصدی هر منصبی در حکومت اسلامی مسئولیت بسیار سنگین دارد

و اگر کسی به مدیریت خود در یک حکومت اسلامی به‌عنوان شغل و حرفه نگاه کند بسیار اشتباه کرده است. خیلی به نفع دنیا و آخرت اوست، که از این شغل دست بکشد و برود یک شغل آزاد پیدا کند. چون هم مسئولیت عظیم و آثار وضعی شدیدی در زندگی انسان در دنیا دارد و هم مسئولیت بزرگتری در روز قیامت خواهد داشت. حکومت اسلامی شوخی نیست، این‌طور نیست که در حکومت اسلامی فقط رأس هرم حکومت که ولی‌امر است مسئولیت داشته باشد و بقیه افراد مسئولیت نداشته باشند. تمام بدنه این حکومت مسئولیت دارند، همه جزو حاکمیت اسلامی‌اند و همه مسئول‌اند. توجه کنید روایات درباره همکاری با حکومت ظالمان چه می‌گویند، به هیچ وجهی به مؤمنان اجازه نمی‌دهند هیچ‌گونه خدمتی نسبت به حکومت ظالم انجام دهند تا چه رسد به قبول مدیریت در دستگاه‌های حکومت ظالم. فتوای امام قدس‌سره‌را قبل از انقلاب در تحریم همکاری با حکومت طاغوت به‌یاد دارید. سخنان امام کاظم علیه‌السلام با علی‌بن یقطین که در روایات آمده، بسیار آموزنده است. بنگرید امام صادق علیه‌السلام با صفوان جمّال که شتران خود را به یکی از مدیران حکومت طاغوتی بنی‌عباس آن هم برای سفر حج اجاره داده بود چه برخوردی داشت. وقتی در حکومت طاغوت مدیریت این‌قدر مسئولیت دارد و شریک جرم طاغوت است، در حکومت اسلامی هم همین‌طور هر مدیر در قبال کل نظام مسئول است. هر کسی که در نظام اسلامی مدیر می‌شود، اگر خدای ناکرده خلاف کند و تکلیف خود را انجام ندهد، اگر در زمان او حقّی پایمال شود که او می‌توانست با مدیریت درست جلوی آن را بگیرد، این مدیر در

مقابل مردم و خدا مسئول است. در مورد بازرسی و نظارت، بحث‌های زیادی هست و از منظر و زوایای مختلفی این دو موضوع را می‌توان مورد بررسی قرارداد و قطعاً تمام این زوایا و جنبه‌های مختلف می‌تواند در برنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و شیوه‌های نظارت و بازرسی، مؤثر باشد و تمام دستگاه‌های نظارتی که یکی از آنها سازمان بازرسی کل کشور است، از همه این بحث‌ها می‌تواند استفاده کند[۱].

لزوم تفکیک وظایف نظارتی قوا ی سه گانه

در کشور ماچند گونه نظارت وجود دارد، یکی آن اصل نظارتی که قانون اساسی بر عهده رئیس قوه قضائیه گذاشته و دیگری آن نوع نظارتی که وظیفه رئیس دیوان عالی کشور است و سومی هم نظارت از طریق سازمان بازرسی است. خوب است ما از لابه‌لای این اصول نظارت، اینها را جمع کنیم. یکی از مسایلی که امروز در جامعه ما حتی پیش مسؤولان بالای نظام مبهم است همین مسأله نظارت است، مسؤولان بالای نظام هم گاهی ابهام دارند که نظارت مثلاً به این معنا نیست یا هست، یا حق این دستگاه یا آن دستگاه است. دیدید در برنامه سوم طور دیگری اصل نظارت مطرح شد و شورای نگهبان هم به آن اشکال گرفت. ما اینها را از فرم قانون اساسی در بیاوریم و تنظیم کنیم، بعد در قوه قضائیه یک بخش نظارت عالی درست کنیم و کل نظارت‌هایی که واگذار شده و در حقیقت

---

۱ ـ سخنرانی در دومین همایش نظارت و بازرسی؛ ۷۹/۸/۲۸

تکلیف شده بر قوه قضائیه، در آن هیأت عالی نظارت قوه قضائیه بگنجانیم، افرادش را هم بر حسب قانون انتخاب کنیم. ما آن اصل نظارت کلی را که وظیفه قوه قضائیه است جا بیندازیم به طریقی هم آن را اعلام کنیم و مستنداتش را هم از اصول قانون اساسی ذکر کنیم و به مسؤولان و به دستگاه‌ها و به جامعه معرفی کنیم. یک بخش نظارتیِ قدرتمند،آن چیزی که واقعاً قانون اساسی تکلیف کرده و از قوه قضائیه خواسته یعنی یک بخش نظارتی قدرتمند، آن را احیا کنیم.

این کار بسیار خوبی است که هم احیای هدف مقدس قانون اساسی است و هم می‌تواند در حسن اجرای امور و رفع خیلی از این مشکلاتی که در جامعه هست، نقش داشته باشد. چون بنده معتقدم یکی از مهم‌ترین عوامل مشکلات چه اقتصادی، چه امنیتی، چه مسایل ابتدایی در جامعه، نبودن نظارت‌های واقعاً دقیق و کامل و حساب‌شده و سازمان‌دهی شده است. در دنیای پیشرفته امروز، قوانین و سیستم‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که این مسأله نظارت خود به خود در آنها هست و مانع بسیاری از تخلفات می‌شود. ولی در تجربه نظام حکومتی ما چون تجربه جدیدی بوده، قوانین و سیستم‌های قدیم متزلزل شده و سیستم‌های جدید جایگزین شده و قوانین جدید تصویب شده است. همین سبب شده که آن نظارت‌هایی که سابقاً بوده و سیستم‌های پیشرفته دنیا هم هست کمرنگ شود و در مقابل، به اصطلاح قلمروها و مناطق شناور در مدیریت‌ها برای مدیران زیاد شود. این شناوری‌ها سبب خیلی از مشکلات شده است، شناور بودن

مسؤولیت‌ها، اختیارات، نبودن کنترل و نظارت، این حالت‌ها را به وجود آورده است. به نظر من اگر بتوانیم ابعاد این قسمت را از قانون اساسی درست به دست بیاوریم و احیا کنیم، خدمت بزرگی کرده‌ایم.

من تصورم این است که اگر این قسمت حل بشود آن بحث هم که امروز در مورد قوه مجریه مطرح است، یعنی مسأله نظارتی که در اصل ۱۱۳ به رئیس‌جمهور داده شده است روشن خواهد شد. این دو نوع نظارت باید خوب مشخص و از هم جدا بشود، آن در اجرای قانون اساسی و این در اجرای قوانین عادی است اصل ۱۱۳ حق نظارت بر اجرای قانون عادی را که به قوه مجریه نداده است، این از اختیارات قوه قضائیه است، شما باید فقط در اجرای قانون اساسی نظارت کنید.

سازمان بازرسی که در اصل ۱۷۴ قانون اساسی آمده است یکی از وظایف بسیار خطیر را در قوه قضائیه برعهده دارد. قوه قضائیه در قانون اساسی ما تنها وظیفه قضاوت را ندارد، قضاوت هم یکی از وظایف این قوه است، وظیفه مهم دیگری که بر عهده این قوه قرار داده شده و در حقیقت قوه قضائیه مسئول اصلی آن است، وظیفه نظارت است. وجوه گوناگونی از نظارت در قانون اساسی ذکر شده است مانند نظارت بر اجرای قوانین، بر تطبیق دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها با قوانین، نظارت بر احکام قضایی، همه این شکل‌های متنوع نظارت بر عهده قوه قضائیه گذاشته شده است. به منظور نظارت بر دستگاه‌های اجرایی، سازمان بازرسی کل کشور طبق قانون اساسی در اختیار قوه قضائیه قرار گرفته است. اینها را

از هم جدا کنیم، کار بسیار خوبی است؛ بسیاری از ابهام‌ها و اشتباهات و خیلی از اختلاف‌نظرهایی که بعضی وقت‌ها در مطبوعات دیده می‌شود که به صورت بسیار نادرستی هم منعکس می‌شود به عنوان تنش بین دو قوه، بر طرف خواهد شد. من گمان می‌کنم بتوانیم که در بخش نظارت مرزها را مشخص کنیم؛ چه کسانی و چه قوایی مسؤولیت نظارت دارند و هر کدام در چه بخشی حق نظارت دارند. اینها را از هم جدا و تعیین کنیم، اگر تداخلی هست مشخص کنیم؛ اگر هم نیست مشخص شود. این بحث‌ها بسیار مفید است و برای رسیدن به دو هدفی که عرض کردم، بسیار چاره‌ساز است.

هماهنگی بازرسی با دیگر نهادهای نظارتی نظام

یکی از سیاست‌های کلی بازرسی، هماهنگی با سایر دستگاه‌های نظارتی است که در قوای دیگر هستند، مانند دیوان محاسبات و سازمان حسابرسی، جو اعتماد و روابط حسنه با این دستگاه‌ها ایجاد شود. البته به شرطی که خود سازمان بازرسی در این میان آسیب نبیند. نظارت بر خود سازمان بازرسی یکی از امور بسیار مهمی است که سابقا عرض کرده‌ام و ما حفاظت اطلاعات را به همین منظور ایجاد کرده‌ایم که بسیار لازم بود و روز به روز هم لزومش بیشتر به چشم می‌خورد. در مورد چگونگی هماهنگی با دستگاه‌های نظارتی دیگری در قوه مقننه و قوه مجریه باید در شورای بازرسی بحث و بررسی شود.

پیوند سازمان بازرسی با دستگاه قضایی: نکته‌ای دیگر که لازم است یادآوری و بر آن تأکید شود، اتصال سازمان بازرسی به دستگاه قضایی است. وظیفه سازمان بازرسی فقط بازرسی است، اما نتایج بازرسی نیاز به ضمانت اجرا دارد و ضمانت اجرای آن در دستگاه قضایی است. در بخش کارشناسی نیز بازرسی نیاز به نهادهای کارشناسی قضایی دارد. مسایل پیچیده اقتصادی و بانکداری و امثال آن، اموری نیست که بتوان بدون کارشناسی مورد بازرسی قرار داد. در این گونه موارد باید گروه بازرسی با کارشناسان قضایی تلفیق شود. بازرسی همانند مقدمات کشف یک جرم است، از این رو باید از ابتدا با هماهنگی دادگستری و دادستانی انجام گیرد. با این هماهنگی، دیگر دچار مشکلات بعدی از جمله بهانه‌های دستگاه‌های بازرسی شونده علیه دستگاه قضایی نخواهیم شد که مثلاً می‌گویند پرونده‌ها در سازمان بازرسی تنظیم و فسادها مشخص شده و به دستگاه قضایی فرستاده می‌شود و در آنجا ۷۰ درصد آنها را تبرئه می‌کنند. یکی از علل این کار، نبود این هماهنگی است، تیم بازرسی این همه زحمت کشیده، ولی قاضی قبول نمی‌کند، چون از اول در جریان کار نبوده است، اگر قاضی از ابتدا در مسیر کار قرار می‌گرفت و پرونده از اول با هماهنگی او تکمیل می‌شد، قطعا به نتیجه می‌رسید و این گونه نبود که ۷۰ درصد پرونده‌های بازرسی در دادگاه رد شود.

ضرورت هماهنگی نهادهای نظارتی دو قوه قضائیه و مقننه[1]

نظارت بر حسن اجرای قوانین بایستی نظارت کارآمدی باشد، بدین منظور باید شیوه‌های نظارت به درستی تبیین و تصویب شود، ابزار لازم و تشکیلات متناسب، فراهم گردد، فرهنگ نظارت و نظارت‌پذیری هم در دستگاه‌های اجرایی و هم در جامعه احیا شود. یکی از مهم‌ترین عوامل برای کارآمد کردن نظارت، علاوه بر آنچه اشاره شد، هماهنگی نظارت قوه قضائیه با نظارت قوه مقننه است. این هماهنگی به نظر من از دو جهت مهم است: یکی اینکه خود این هماهنگی سبب می‌شود که این نظارت از پشتیبانی دو قوه برخوردار بوده و از این رو قوی‌تر و کارآمدتر باشد. دیگر، اینکه در عمل دیده شده است که برخی از قوانین و تبصره‌هایی که در مجلس تصویب می‌شود و اختیاراتی که به دستگاه‌های اجرایی داده می‌شود، منشأ و بستری برای برخی از مفاسد شده است. در این موارد دیگر دستگاه قضایی نه از بُعد نظارتی و بازرسی و نه از بعد قضایی نمی‌تواند وارد آن شود؛ زیرا کار مستند به اختیارات و تبصره‌های مصوب مجلس است و ظاهر قانونی دارد. اینجاست که هماهنگی نهادهای نظارتی دو قوه قضائیه و مقننه بسیار کارساز خواهد بود. سازمان بازرسی و مجلس با همکاری یکدیگر می‌توانند جلوی این قبیل قوانین را که بر خلاف اهداف کلان نظام و حقوق ملی است و در واقع قانونی کردن تخلف است، بگیرند.

---

۱ ـ سخنرانی در مراسم معارفه و تودیع رؤسای جدید و قدیم سازمان بازرسی کل کشور ۸۳/۵/۲۱

اگر این همکاری نشود واقعاً قوه قضائیه به تنهایی نخواهد توانست در این موارد تحت عنوان نظارت و یا قضاوت، کاری کند.

ایجاد واحدهای نظارتی در قوه قضاییه

ما نظارت‌های زیادی را ایجاد کردیم که قبل از این دوره نبوده، حفاظت اطلاعات را تشکیل داده‌ایم که نظارت خیلی دقیقی بر محاکم و دفاتر شعب دارد و تا کنون در پی گزارش‌های حفاظت و اطلاعات با بیش از هزار مورد از تخلفات کادر قضایی و اداری برخورد شده و تعداد زیادی محکوم به انفصال شدند. ارزشیابی قوه قضائیه را نیز فعال کردیم، هم ارزشیابی قضات و هم ارزشیابی کارکنان که خدمات ارزنده‌ای تا کنون انجام داده است. نظارت و پی‌گیری در احکام قضایی را توسعه دادیم. ما در سال حدود بیش از ۱۰ هزار پرونده را در بخش نظارت و پی‌گیری، بازبینی می‌کنیم، قضات باسابقه‌ای در آنجا مسئولیت بازبینی پرونده‌ها را دارند. این مراجعات مردمی نیز، یک نظارت طبیعی و هشداری است برای همه تشکیلات قضایی ما که اگر خدای ناکرده در جایی خلافی انجام بگیرد، منعکس می‌شود و ما هم با قاطعیت پی‌گیری می‌کنیم، اگر گزارش غلط باشد با شخص گزارش دهنده برخورد می‌شود، اگر درست باشد با آن قاضی یا کارمند برخورد جدی می‌کنیم[۱].

در مدیریت اسلامی، نظام بازرسی و کنترل دستگاه‌های اجرایی نه تنها

---

۱ ـ مصاحبه پس از دیدار از مجتمع قضایی ولی‌عصر (عج)؛ ۸۳/۱/۱۵

وظیفه کشف کاستی‌ها و مفاسد را دارد، بلکه یکی از ابزارهای سالم‌سازی دستگاه‌هاست و با اعمال نظارت دقیق و مستمر از وقوع مفاسد جلوگیری خواهد کرد[1].

سازمان بازرسی ابزاری دائمی و قدرتمند در دست ریاست قوه قضائیه

نکته دیگر این است که تشکیلات سازمان بازرسی مستقیماً زیرنظر رئیس قوه قرار دارد و همچنان که در اصول ۱۵۶ و ۱۷۴ قانون اساسی آمده است، رابطه رئیس قوه با سازمان بازرسی حتی از تشکیلات محاکم هم بیشتر است؛ بالاخره قاضی از استقلال رأی برخوردار است و کاری قضایی دارد برخلاف وظایف سازمان که کار از نوع اداری و اجرایی است و رئیس قوه خود باید جوابگو باشد و فردا، اگر از او جواب بخواهند بتواند جواب دهد، چون اصل قانون اساسی می‌گوید کار سازمان زیرنظر شخص رئیس قوه است و قطعاً باید خود او جوابگو باشد.لذا باید خیلی سعی کرد، هم مسایل بودجه این سازمان را تأمین کرد و هم مسایل ساختاری آن را درست کرد.

باید این سازمان راتقویت کرد و رشد داد و سامان‌دهی کرد. حالت جدا بودن به عنوان یک سازمان وابسته و نمودار تشکیلات این‌چنینی را باید تغییر داد و اصلاح کرد. اول که من نمودار تشکیلاتی را دیدم، متوجه شدم

---

۱ ـ سخنرانی در سازمان بازرسی کل کشور؛ ۷۹/۷/۱۹

چند سازمان را جدا کردند به عنوان سازمان‌های وابسته و در گوشه نمودار جا دادند. این چیزِ خلافی بود به نظر من و من اشاره کردم این ترکیب درست نیست. من تصورم این است که بایستی این سازمان ابزار دائمی و قدرتمندی در دست ریاست قوه قضائیه باشد. من این دید را دارم که از هر جهت نواقص سازمان بازرسی برطرف شود[1].

نظارت و بازرسی و بهداشت قضایی

تشکیل کمیته‌های مشترک میان سازمان بازرسی و دادگستری‌های کل استان‌ها را به منظور پیگیری سیاست بهداشت قضایی در سراسر کشور لازم است لزوم توجه قوای سه‌گانه به سیاست بهداشت حقوقی و قضایی، تشکیل کمیته‌های مشترک میان سازمان بازرسی و دادگستری‌های کل استان ها در سراسر کشور برای بررسی میزان اجرای دقیق وظایف و میزان تخطی سازمان های اجرایی از انجام وظایف این وظیفه ضروری است و از اختیارات قانونی سازمان بازرسی و دستگاه قضایی است که بر عملکرد ادارات و سازمان‌های اجرایی در سراسر کشور نظارت کند.

دستگاه قضایی باید (**چشم و گوش مدیران دستگاه های دیگر را درباره توجه به بهداشت قضایی باز کند**) سازمان بازرسی با همکاری دستگاه قضایی در سراسر کشور باید وارد عمل شود تا شرایط نامناسب موجود در دستگاه‌های اجرایی که ناشی از عملکرد نامناسب آنان است اصلاح شود و اگر ادارات و

---

۱ ـ دیدار با رئیس بازرسی کل کشور و معاونان، ۷۸/۱۱/۳

سازمان‌هایی وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهند و قصد بهبود شرایط را ندارند، برای آنان پرونده تشکیل شود.

انجام کار عملیاتی در کنار مباحث نظری درباره توجه به بهداشت حقوقی و قضایی و تلاش برای جلوگیری از ناامنی حقوقی در جامعه است، دستگاه قضایی باید به فکر چاره این مشکل باشد چرا که چوب شرایط نامناسب موجود در دیگر بخش‌ها را می‌خورد و از این رو باید با مسوولان اجرایی کشور در سطح ملی و استانی نیز نمایندگان مجلس هم فکری کند و از آنان بخواهد که برای حل این مشکل تلاش و برنامه‌ریزی کند.

بحث سلامت حقوقی جامعه مساله بسیار مهم است که باید از سوی تمام مسولان و دستگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. توجه به بهداشت حقوقی و قضایی مبتنی بر وظیفه قانونی این دستگاه برای نظارت در عملکردهاست، توجه به نظارت درون سازمانی را نیز ضروری است و بحمدالله دستگاه قضایی نظارت‌های بسیار خوب و دقیقی بر عملکرد زیر مجموعه خود دارد و استفاده از سیستم‌های پیشرفته می‌تواند موجب افزایش این نظارت‌ها و کاهش آسیب‌های درونی دستگاه قضایی شود.

دستگاه قضایی با احاد مردم سرکار دارد و وجود حتی یک آسیب در این دستگاه خدمتگزار قابل قبول نیست. باید دغدغه تمام مدیران قضایی این باشد که چگونه می‌توانند اهداف و مقاصد بلند اسلامی را در بخش قضایی احیا کنند.توجه به خروجی عملکردها و میزان خدمت به مردم و رضایت آنان از این خدمات و نیز میزان احیای سیاست‌های قضایی به

عنوان ملاک انجام امور و وظایف در دستگاه قضایی شد پیگیری چگونگی اجرا و میزان اجرای سیاست‌ها و اهداف قضایی و عمل به برنامه‌ها و بررسی موفقیت دادگستری‌های سراسر کشور در این زمینه‌ها موجب ایجاد رقابت سالم برای خدمتگزاری بیش‌تر به مردم خواهد شد.

جایگاه نظارت بر قضات

یکی از مسایلی که بسیار مهم است و باید به آن توجه شود، این است که نظارت دادسرای انتظامی شاید تنها نظارت قانونی بر قضات است، با آن جایگاه خاص و مصونیتی که قاضی دارد هیچ دستگاه دیگری نمی‌تواند بر قاضی نظارتی داشته باشد و تنها این دستگاه است که طبق قانون می‌تواند این کار را انجام دهد. بنابراین، این دستگاه در عین حالی که باید وظیفه نظارت را به خوبی انجام بدهد، بایستی دقت کند که شأن و جایگاه خاص قاضی خدشه‌دار نشود. قاضی و قضاوت، هم از نظر فقهی، هم از نظر حقوقی و هم از نظر اجتماعی، جایگاه خاص و قداستی دارد که بایستی حفظ شود. خود همین مصونیتی که در نظام ما و شاید در همه کشورها تنها برای قاضی قرار داده شده و برای هیچ عنوان و منصب دیگری قرار داده نشده است، مرجع و مقصدش این است که این جایگاه، جایگاه ویژه‌ای است و این ویژگی و اعتبار و شرافت بایستی حفظ شود تا آن هدف مقصود از قضا و قضاوت تحقق یابد. چون قاضی با مال و جان و آبروی مردم سر و کار دارد و حکمش نافذ است، اگر آن قداست و شرافت و پاکی

و اعتبار را نداشته باشد، این عمل به درستی انجام نخواهد گرفت. لذا در عین حال که نظارت بسیار مهم است و به وسیله همین نظارت می‌خواهیم این سلامت و طهارت قاضی و اعتماد مردم به این جایگاه حفظ شود، نباید خود این نظارت به گونه‌ای باشد که به این جایگاه لطمه بزند. این دادستانی در حقیقت برای همین تشکیل شده که این جایگاه محفوظ بماند و آلوده و تضعیف نشود. اگر نظارت طوری اعمال شود که مردم احساس کنند با قاضی هم مثل یک متهم برخورد می‌شود، این دیگر نمی‌تواند آن قاضی مقتدر و معتمد مردم باشد، علاقه او به این کار، از او گرفته می‌شود و شخصیتش کوبیده می‌شود. این کار باید خیلی با ظرافت انجام بگیرد، در عین حالی که اصل آن باید باشد، ولی نباید به صورتی باشد که موجب تضعیف شأن قاضی و قضاوت گردد. حالت و روش‌هایی که در این گونه موارد در دستگاه‌های نظارتی دیگر معمول است در اینجا نبایستی باشد. اگر بخواهد آن شیوه‌ها در اینجا عملی شود، درست نقض هدف مقدسی است که این تشکیلات برای ان ایجاد شده است. دادستانی انتظامی می‌خواهد جایگاه رفیع قاضی را تثبیت کند و در ذهن مردم جابیندازد که قاضی، طاهر و طیب و پاکدامن است، لذا باید شیوه‌ها و دستورالعمل‌های آن تمام روی حساب و کتاب بوده و خیلی دقیق و ظریف تنظیم شود که به نقض غرض نینجامد.

در بحث‌هایی که با دیگر سازمان‌های نظارتی داشتم، سعی کردم هر نوع نظارت دیگری به جز نظارت دادستانی انتظامی را بر روی قضات حذف

کنم و هر نظارتی باید از طریق این دادستانی اعمال شود. واحد ارزشیابی در دادستانی نبود، واحد مستقلی زیر نظر نهاد قوه قضاییه بود، من دیدم جایگاه طبیعی این واحد در دادستانی انتظامی است. سازمان بازرسی بارها از ما خواسته است که برای بازرسی از قضات وارد عمل شود، به ایشان گفته‌ایم حق ندارید بازرسی کنید، این کار مربوط به دادستانی انتظامی قضات است. واحد بازرسی ویژه‌ای تشکیل شده بود که من دیدم این واحد کارهایی می‌کند که به قضات فشار می‌آورد، اصل این واحد را حذف کردیم و گفتیم هر کاری بخواهد در مورد قضات انجام بگیرد باید از راه دادستانی انتظامی قضات باشد. همین یک راه باید باشد و هیچ راه دیگری نباید باشد. این اصل مطلب است که محور اصلی عرض بنده است و در همه برنامه‌ریزی‌ها باید مورد توجه قرار بگیرد.

یکی از نکات بسیار مهم دیگر این است که دادستانی انتظامی قضات، باید دو چشم داشته باشد که هم خوبی‌ها را ببیند و هم بدی‌ها را. تنها چشم بدبینی نداشته باشد، چشم خوبی بینی هم داشته باشد. همان طور که تخلف انتظامی و یا جرم قاضی را در جایی می‌بیند، کوشش و مهارت و وجدان و اخلاص و دقت و سرعت و شهامتش را هم ببیند. فقط عینک اطلاعاتی و امنیتی به چشم نزند، خوبی‌ها را هم ببیند. تشویق‌ها و ترفیع‌ها نیز از راه دادستانی انتظامی قضات پیشنهاد شود و انجام گیرد که بحمدالله در همین بخش ارزشیابی در این یکی دو سالی که تشکیل شده این کار انجام می‌شود.

مرز ورود دادسرای انتظامی به پرونده‌ها باید مشخص شود، این تعیین مرز نیاز به کارشناسی دارد و بنده فقط کلیاتش را که خیلی راحت است، عرض کردم همان طور که اشاره شد، دادستانی انتظامی نیاز به تشکیلات مناسب دارد، نیروهایی که می‌خواهد از آنها در دادستانی استفاده شود، بایستی افراد پخته و سنگین و وزین و مورد قبول و تأثیرناپذیر باشند. چون این دستگاه می‌خواهد بر همه قضات کشور، از قضات دیوان گرفته تا قاضی تحقیق، نظارت کند، کسی می‌تواند متولی این نظارت شود که خودش از نظر معیارهای نظارتی کامل باشد[1].

ضرورت نظارت بر زیر مجموعه‌ها در نیروهای امنیتی و انتظامی[2]

نکته بسیار مهم در ناجا مسئله نظارت بر زیرمجموعه است. برنامه و امکانات خوب، پشتیبانی و حمایت‌های خوب، با نبودن مدیریت خوب و مجریان خوب و مقتدر به‌جایی نمی‌رسد. ممکن است امکانات خوبی هم در اختیار شخص باشد، ولی به علت عدم مدیریت نتواند ازاستفاده کند. در کنار امکانات، باید مدیریت خوب وجود داشته باشد، در همه دستگاه‌ها به مدیریت شایسته و استفاده از همه ظرفیت‌ها و فرصت‌ها نیاز داریم. در دستگاه قضایی، در دستگاه‌های امنیتی و اجرایی و وزارتخانه‌ها، نواقص مدیریت فراوان است. اما اینجا که مسئله امنیت عمومی و مقابله با نا امنی

---

۱ ـ دیدار با رئیس و معاونان و قضات دادسرای انتظامی قضات تاریخ ۸۲/۳/۴

۲ ـ سخنرانی در همایش فرماندهان ناجا،تاریخ۷۹/۱۱/۲۶

و شرارت مطرح است، مسئولیت بسیار سنگین‌تر و حساس‌تر است. ضعف مدیریت مثلاً در وزارت راه و ترابری یا وزارت صنایع و معادن هم اثرات سویی دارد، اما اثرات ضعف مدیریت در حوزه امنیت عمومی بسیار زیانبارتر خواهد بود.

یکی از نکات مهم در مدیریت نیروهای امنیتی و انتظامی و مدیریت دستگاه قضایی، مسئله نظارت بر زیرمجموعه‌هاست. دستگاه قضایی و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی در این زمینه باید دقیق عمل کنند و مدیریت کاملی داشته باشند. چون این دو دستگاه قدرت ویژه‌ای در اختیار دارند و به نحوی بر جان و مال و ناموس و شرف و حیثیت مردم تسلط دارند، می‌توانند وقایع را نادیده بگیرند، می‌توانند خلاف واقع گزارش دهند، قاضی می‌تواند جرم را تغییر داده یا کم و زیاد کند. این قدرت با قدرت وزیر صنایع فرق می‌کند، او ممکن است خدای ناکرده در مدیریت استخراج معادن و صنعت مرتکب خلافی شود و در نتیجه، بخشی از صنعت کشور آسیب ببیند یا تولیدات کم شود و ضربه‌ای به اقتصاد وارد شود. این هم یک معصیت بزرگ و کلان است، ولی با تخلف یک قاضی یا نیروی انتظامی که سر و کار مستقیم با مال و جان و ناموس مردم دارد، فرق می‌کند. از این رو نظارت بر این قبیل دستگاه‌ها بسیار لازم است.

ببینیم مولا امیرالمؤمنین چگونه بر استانداران و قضات خود نظارت داشته و با تخلفات آنها چگونه برخورد می‌کرد؟ فقط شعار ندهیم، بیاییم سیره و سلوک و روش حکومت‌داری امیرالمؤمنین را یاد

بگیریم. استاندار ایشان در بصره به میهمانی بعضی از تجار می‌رود، سر سفره برای پذیرایی بهتر از استاندار، مقداری غذاهای متنوع و گوناگون و لذیذ قرار می‌دهند. این خبر به امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌رسد، نامه مفصلی ـ که در نهج‌البلاغه هست ـ به استاندار می‌نویسد که چرا این کار را کردی؟ تو باید در کنار سفره ضعفا بنشینی نه سفره اغنیا و اشراف. نهیب به استاندارش زد و روز قیامت را به یاد او آورد و ضمن تذکر آثار و بازتاب‌های بد این رفتار، او را از اینکه دیگر به چنان جایی برود منع کرد.

شریح، قاضیِ امیرالمؤمنین بود ـ البته قاضیِ آن‌چنانی هم نبود، ولی چون قبل از خلافت حضرت علی علیه‌السلام هم قاضی بوده و مورد اعتماد خلفای قبل بوده، حضرت نیز مجبور شد او را نگه دارد. البته او را محدود کرد و فرمود در حدود و دیات و قصاص حق قضاوت ندارد و فقط در مسائل احوال شخصیه حق قضاوت دارد شریح قاضی خانه‌ای از مال خودش به هشتاد دینار می‌خرد. حضرت امیر علیه‌السلام او را احضار کرد و گفت شنیدم خانه‌ای خریده‌ای هشتاد دینار ـ لابد در آن موقع با هشتاد دینار خانه خوبی می‌شد خرید ـ این خانه را از کجا خریده‌ای، از مال خودت یا از بیت‌المال یا خدای ناکرده رشوه گرفتی و خریدی؟ بعد می‌فرماید: تو به‌عنوان قاضی در این سن و سال چنین خانه‌ای را می‌خواهی چه کار کنی، فکر خانه آخرت باش. هدف حضرت تنها تذکر و توصیه نیست، بلکه می‌خواست به شریح بفهماند که تو زیر نظر و نظارت من هستی.

نظارت بر زیرمجموعه یکی از شرایط مدیریت صحیح به‌ویژه در این قبیل دستگاه‌هاست که با هر تخلف و کوتاهی و کم‌کاری و تقصیر تا چه برسد به جرم، باید با شدیدترین شکل برخورد شود. اَلقَبیح من کُل اَحدٍ قبیح و منک اَقبح، «زشتی از هر کس زشت است و از تو زشت‌تر». این باید دستور کار دستگاه‌های قضایی و نیروهای انتظامی و امنیتی باشد، لذا حفاظت و حراست تشکیلات زیر مجموعه و کنترل مداوم و بازرسی مستمر آنها، یکی از وظایف اصلی این دستگاه‌هاست. خود همان تشکیلات نظارتی هم باید به‌وسیله رأس آن دستگاه کنترل شود که نکند خدای ناکرده وارد یک معامله یا تبانی شوند. ما امروز هیچ عذری نداریم، وضع ما عین وضع کسی است که در زمان حاکمیت پیغمبر و مولی امیرالمؤمنین، متصدی منصبی بود، همان مسئولیت سنگین را امروز ما بر عهده داریم. هر استاندار ما امروز همان مسئولیت والی امیرالمؤمنین را دارد. این حکومت، حکومت اسلامی است، هیچ‌عذری هم در مقابل خدا و امام زمان و رهبری و مردم نیست. شما فرماندهان مسئولیت دارید زیر مجموعه‌های خود را دقیقاً کنترل کنید، ببینید آیا واقعاً درست عمل می‌کنند.

مقدار زیادی از مشکلات ما با چنین برنامه‌هایی رفع می‌شود، با اصلاح ساختار زیرمجموعه خود و اشراف کامل بر آن و با همت عالی که بحمدللّه هست، به نتیجه خواهیم رسید. تهیه امکانات و بودجه و رفع مشکلات قانونی و هماهنگی‌های لازم با دستگاه‌های دیگر را بر

عهده ستاد مرکزی و فرماندهی کل بگذارید. اصل، بدنه اجرایی است، کارسازِ نهایی، مجری است که همه چیز در اختیار اوست. من همیشه در همایش‌ها و یا در نشست‌های رؤسای کل دادگستری‌های کشور که هر دو ماه یک بار در تهران برگزار می‌شود بر این نکته تأکید می‌کنم و حالا هم خدمت شما عرض می‌کنم: هشتاد درصد هر کار مربوط به مجری است و بیست درصد آن مربوط به طرح و برنامه و غیره است. مجری اگر بخواهد صادقانه و مخلصانه، با تعهد و با احساس مسئولیت کار کند، کار پیش می‌رود و در صورت اهمال مجری هیچ‌کاری به نتیجه نخواهد رسید. در دستگاه قضایی، مجری، قاضی است، اگر قاضی کارآمد و موفق بود، فضل و دانش و تعهد و رفتار و منش قضاییِ اسلامی داشت و واقعاً در پرونده دنبال احقاق حق بود، قطعاً احقاق حق خواهد شد. مگر می‌شود قاضی بخواهد حق را احقاق کند و نتواند؟ قطعاً می‌تواند. پرونده‌ای که حق در آن ناحق شود، قاضی نخواسته حق را احقاق کند، رشوه گرفته یا توصیه پذیرفته، یا تحت تأثیر گرایش گروهی و سیاسی قرار گرفته، یا ملاحظه کسی را کرده است. این قبیل کارها هم جرم است و هم نشان بی‌لیاقتی است. قاضی باید دنبال احقاق حق باشد، حق خدا و حق مردم و از احدی هم نترسد و با هیچ‌کس ـ هر که باشد ـ مجامله نکند. اگر قاضی چنین باشد، خواهیم دید که وضع در تشکیلات قضایی تغییر خواهد کرد. محصول قضاوت اسلامی و عدل اسلامی در جامعه جلوه‌گر می‌شود، مردم نسبت به دستگاه قضایی احساس اطمینان می‌کنند و آن را پناه خود می‌دانند.

نیروی انتظامی هم عیناً همین‌گونه است. اصل کار به دست مسئولان کلانتری‌ها و آگاهی‌های شماست که می‌خواهند با مجرم یا با ناامنی و شرارت برخورد کنند. شما اگر بدنه کادر انتظامی را که مستقیماً با مردم سر و کار دارد اصلاح کردید در اجرای برنامه‌های موفق خواهید بود. کسی که مسئولیت حفظ امنیت مردم را بر عهده دارد خود باید امین باشد، اگر خدای ناکرده خود او در ناامنی سهیم باشد؛ باید به شدت با او برخورد شود. ما در تشکیلات قضایی مواردی داشتیم که قاضی را تعلیق کردیم، بعد از تعلیق، او را برای محاکمه به یکی از شعب مجتمع ویژه کارکنان دولت فرستادیم؛ با آنکه در آنجا تبرئه شد و قانوناً باید سر کار خود برگردد، ما دوباره او را به دادگاه انتظامی قضات جهت تشخیص صلاحیت فرستادیم و دادگاه انتظامی حکم به انفصال خدمت او داد و در مواردی به کارگیری او در هر نهاد دیگری را نیز ممنوع کرد. بعضی از آنها اعتراض کردند که ما تبرئه شده‌ایم، ما گفتیم اگر چه دادگاه عادی شما را تبرئه کرده، ولی ما به‌عنوان مسئولان قضایی شما را صالح برای قضاوت نمی‌دانیم و قانون این اختیار را به ما داده است. برخورد شدید یعنی این. چون این شخص یک مجرم عادی نیست، اگر یک فرد عادی بود و دادگاه هم او را تبرئه می‌کرد، سوءسابقه‌ای برایش محسوب نمی‌شد؛ اما اینجا این شخص می‌خواهد دوباره قاضی شود، من به چه مجوزی می‌توانم ابلاغ قضایی او را امضا کنم؟ اگر مطمئن از مبرا بودن او نشوم نمی‌توانم به تبرئه او در دادگاه اکتفا کنم، اگر فردا مرتکب خطای دیگری شد؛ من مسئولم و مؤاخذه

می‌شوم. اگر بخواهید بر زیر مجموعه‌ها نظارت داشته باشید باید با این مسائل این‌گونه برخورد کرد.

ضرورت نظارت بر صدا و سیما[1]

نظارت بر صدا و سیما یک رکن است و مقابل نظارت رهبری نیست بلکه کمک به آن است، چون سه قوه هم در خدمت رهبری هستند و رهبر نیازمند آنهاست. رهبری هم خوشحال می‌شوند که نظارت را انجام دهید و به نزد ایشان ببرید و ایشان هم وقت صرف می‌کنند و مسایل را بررسی می‌کنند، مخصوصا در بحث‌های فرهنگی، ایشان صاحب نظر هستند؛ اگر احساس کنند که در نظارت مطالب خوبی ارائه شده قطعا کمک می‌کنند و اگر درست کار شود و این نظارت فعال شود در بالا بردن کیفیت و کمیت کار خیلی خوب است.

شکل نظارت باید از حالت هیأت بیرون بیاید و باید تشکیلات انجمنی و کمیته‌های اقماری را داشته باشد. قطعا بحث نظارت، بسیار گسترده است و جنبه‌های گوناگونی دارد که هیأت نظارت برای نظارت نیاز به کمیسیون‌های تخصصی دارد و از این‌رو باید تکاملی در تشکیلات داشته باشیم. این هیأت باید در تشکیلات و مراکز سه قوه حضور داشته و برنامه‌ها را به طور مرتب ارائه دهد و بحث شود و نظر داده شود.

---

۱ ـ دیدار با شورای نظارت بر صدا و سیما؛ ۷۸/۹/۹

پیوست

آئین‌نامه شورایعالی نظارت و بازرسی قوه قضائیه

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور به پیوست یک نسخه آیین‌نامه شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضاییه به شماره ۹۰۰۰/۱۲۲۹۷/۱۰۰ ـ ۱۳۸۸/۳/۴ که در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضاییه رسیده است.

ماده۱ ـ به منظور سیاستگذاری و هماهنگی بیشتر بین بخشهای نظارتی و ارتقاء بهره‌وری در نظام نظارت و بازرسی در قوه قضائیه شورای عالی نظارت و بازرسی که در این آئین‌نامه به اختصار « شورا» نامیده می‌شود، به ریاست رئیس قوه قضائیه تشکیل شود.

ماده۲ ـ اعضاء شورا عبارتند از:

۱. رئیس قوه قضائیه (رئیس شورا)
۲. معاون اول قوه قضائیه
۳. رئیس دیوان عالی کشور
۴. دادستان کل کشور
۵. رئیس دیوان عدالت اداری
۶. رئیس سازمان بازرسی کل کشور
۷. معاون اداری و مالی قوه قضائیه
۸. معاون حقوقی و توسعه قضایی

۹. دادستان انتظامی قضات

۱۰. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه

۱۱. رئیس حوزه نظارت قضایی ویژه

۱۲. رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه

ماده۳ ـ وظایف و اختیارات شورا:

۱. بررسی و تصویب سیاست‌های قوه قضائیه در امر نظارت و بازرسی بر اساس سیاست‌های کلی مندرج در چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام و برنامه‌های ۵ ساله توسعه قضایی کشور.

۲. نظارت بر نحوه اجرای مصوبات شورا و ارزیابی عملکرد مراجع ذیربط

۳. هماهنگی بین بخش‌های نظارتی قوه قضائیه

ماده۴ ـ جلسات شورا حداقل هر دو ماه یک بار در حضور رئیس قوه قضائیه و در غیاب ایشان به ریاست معاون اول تشکیل و جلسات فوق‌العاده در موارد ضروری به پیشنهاد دبیر شورا و تصویب رئیس شورا تشکیل خواهدشد.

ماده۵ ـ معاون اول قوه قضائیه به عنوان دبیر شورا تعیین و دبیرخانه نیز در حوزه معاون اول تشکیل می‌گردد.

ماده۶ ـ وظایف دبیر شورا:

۱. تنظیم جلسات شورا و پیشنهاد جلسات فوق‌العاده در موارد ضروری.

۲. ابلاغ و پیگیری مصوبات شورا

۳. جمع‌بندی، تحلیل محتوا و ارائه گزارش جامع از عملکرد گروه‌های نظارتی و اقدامات شورا به رئیس شورا

۴. تهیه دستور جلسات و دعوت اعضاء .

۵. انجام امور دبیرخانه.

ماده۷ـ دبیر شورا با هماهنگی رئیس شورا حسب مورد از نمایندگان دستگاه‌های غیر عضو برای شرکت در جلسات شورا دعوت به عمل می‌آورد.

ماده۸ ـ با تصویب شورا حسب مورد گروه‌های نظارتی مستقل و ویژه متشکل از نمایندگان دستگاه‌های نظارتی مرتبط زیر نظر دبیر شورا جهت بازرسی و نظارت دوره‌ای یا موردی اعزام خواهدشد.

ماده۹ ـ کلیه دستگاه‌های نظارتی و بازرسی قوه قضائیه مکلفند وظایف قانونی خود را در امر نظارت و بازرسی براساس سیاست‌گذاری‌های مصوب شورا انجام دهند.

ماده۱۰ـ کلیه بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های قبلی در این خصوص ملغی می‌گردد.

ماده۱۱ـ این آئین‌نامه در ۱۱ ماده تنظیم و در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا می باشد.

دستورالعمل تشکیل شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضاییه (مصوب ۸۶/۳/۱۲ رییس قوه قضاییه)

ماده ۱ ـ به منظور سیاستگذاری، تقویت و کارآمدی نظارت و بازرسی، ایجاد

یکپارچگی و هماهنگی میان دستگاه‌های بازرسی و نظارتی، افزایش کارآیی و اثربخشی اقدامات و ارتقای بهره‌وری و ساماندهی نظام نظارت و بازرسی در کشور، «شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضاییه» که در این دستورالعمل به اختصار «شورا» نامیده می‌شود، به ریاست رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود.

ماده ۲ ـ اعضای شورا عبارتند از:

ـ رئیس قوه قضاییه (رئیس شورا)

ـ معاون اول قوه قضاییه

ـ رئیس دیوان عالی کشور

ـ دادستان کل کشور

ـ رئیس دیوان عدالت اداری

ـ رئیس سازمان بازرسی کل کشور

ـ معاون حقوقی و توسعه قضایی

ماده ۳ ـ دبیرخانه شورا در سازمان بازرسی کل کشور مستقر بوده و رئیس سازمان بازرسی کل کشور به عنوان دبیر، مسؤولیت پیگیری مصوبات شورا و انجام امور دبیرخانه شورا را برعهده دارد.

تبصره ۱ ـ دبیر شورا می‌تواند با هماهنگی رئیس شورا بر حسب مورد از نمایندگان دستگاه‌های غیرعضو مانند وزیر اطلاعات، رئیس و دادستان دیوان محاسبات، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و دیگر مسؤولان و کارشناسان ذی‌ربط برای شرکت در جلسات شورا، دعوت به عمل آورد.

تبصره ۲ ـ دبیرخانه شورا بر حسب ضرورت و با تصویب شورا اقدام به تشکیل کارگروه‌های تخصصی می‌نماید. ترکیب و تعداد اعضای کارگروه‌ها توسط دبیرخانه تعیین و برای تصویب به شورا پیشنهاد می‌شود.

ماده ۴ ـ جلسات شورا حداقل هر ۳ ماه یک‌بار تشکیل می‌شود و جلسات فوق‌العاده در موارد ضروری به تشخیص رئیس شورا تشکیل خواهدشد.

ماده ۵ ـ وظایف و اختیارات شورا عبارت است از:

ـ بررسی و تصویب چشم‌انداز، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های جامع نظارت و بازرسی

ـ هماهنگ نمودن دستگاه‌های نظارت و بازرسی از حیث اهداف، برنامه‌ها و روش‌ها

ـ بررسی تصویب شاخص‌ها و شیوه‌های اعمال نظارت و بازرسی

ـ بررسی و تصویب نظام ارزیابی و سنجش میزان تحقق سیاست‌ها و برنامه‌های نظارت و بازرسی

ـ تصویب راهکارهای تعامل و همکاری دستگاه‌های نظارتی و بازرسی

ـ نظارت بر نحوه اجرای مصوبات شورا و ارزیابی عملکردها

ماده۶ ـ وظایف و اختیارات دبیرخانه شورا عبارت است از:

ـ ایجاد تمهیدات لازم برای طراحی ساختار و تشکیلات دبیرخانه

ـ تهیه پیش‌نویس طرح‌ها و برنامه‌ها به جهت ارائه به شورا برای بررسی و تصویب

ـ تهیه دستور جلسات شورا و پیشنهاد آن به رئیس شورا.

ـ تنظیم صورتجلسات شورا.

ـ پیگیری مصوبات شورا.

ـ ایجاد هماهنگی بین کارگروه‌های تخصصی و نظارت بر عملکرد آنها.

ـ تنظیم گزارش‌های دوره‌ای و موردی از عملکرد شورا و نهادهای عضو و ارائه به شورا.

تبصره ـ دبیر شورا موظف است تا در هر ۳ ماه، گزارش جامعی از اقدامات دبیرخانه شورا و فعالیت‌های نظارتی و بازرسی نهادهای عضو شورا، تهیه و به شورا ارائه نماید.

ماده ۷ ـ مصوبات شورا پس از امضای رئیس شورا، توسط دبیرخانه ابلاغ می‌شود.

ماده ۸ ـ دستگاه‌های نظارتی و بازرسی قوه قضاییه مکلفند برنامه‌های خود را منطبق با سیاست‌ها و برنامه‌های مصوب شورا تنظیم و اجرا نمایند.

ماده ۹ ـ این دستورالعمل در ۹ ماده و ۳ تبصره تنظیم و در تاریخ ۸۶/۳/۱۲ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از این تاریخ لازم‌الاجراست.

سید محمود هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه

منابع

کتب

- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد اول؛ ۱۳۷۸
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد دوم؛ ۱۳۷۹
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد سوم؛ ۱۳۸۰
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد چهارم؛ ۱۳۸۱
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد پنجم؛ ۱۳۸۲
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد ششم؛ ۱۳۸۳
- صحیفه عدالت، مجموعه بیانات حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی. جلد هفتم؛ ۱۳۸۴

دیدارها

- دیدار با رئیس بازرسی کل کشور و معاونان؛ ۷۸/۱۱/۳
- دیدار با رئیس و معاونان و قضات دادسرای انتظامی قضات ؛ ۸۲/۳/۴
- دیدار با رئیس و معاونین سازمان بازرسی کل کشور ؛ ۸۱/۹/۱۹
- دیدار با شورای نظارت بر صـدا و سیمـا؛ ۷۸/۹/۹

سخنرانی ها

- سخنرانی در جلسه شورای اداری استان هرمزگان؛ ۸۱/۰۱/۲۸
- سخنرانی در سازمان بازرسی کل کشور؛ ۸۴/۶/۲۷
- سخنرانی در گردهمایی مدیران بازرسی کل کشور؛ ۸۲/۱/۲۸
- سخنرانی در جشنواره شهید رجایی؛ ۷۹/۶/۸
- سخنرانی در جمع مردم بندرعباس؛ ۸۱/۰۱/۲۷
- سخنرانی در دومین همایش نظارت و بازرسی؛ ۷۹/۸/۲۸
- سخنرانی در سازمان بازرسی کل کشور؛ ۷۹/۷/۱۹
- سخنرانی در مراسم معارفه و تودیع رؤسای جدید و قدیم سازمان بازرسی کل کشور؛ ۸۳/۵/۲۱
- سخنرانی در نمایشگاه بازرسی؛ ۸۱/۰۴/۰۸
- سخنرانی در همایش فرماندهان ناجا؛ ۷۹/۱۱/۲۶
- سخنرانی در همایش نظارت کارآمد بازرسی کل کشور؛ ۸۳/۴/۲
- سخنرانی همایش ستاد مشترک سپاه؛ ۷۸/۶/۲۵

مصاحبه ها

- مصاحبه پس از دیدار از مجتمع قضایی ولی‌عصر (عج)؛ ۸۳/۱/۱۵

سایت ها

http:// www.dadiran.ir/

http:// www.isna.ir/fa/news

http:// www.qom.bazresi.ir/

http:// www.site.bazresi.ir/

http://www.dadgostary_tehran.ir/

http://www.ensani.ir

http://www.jamejamonline.ir/

http://www.noormags.com

http://www.shenasname.ir/

http://www.sid.ir

فهرست